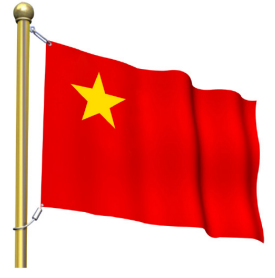


جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت
علی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد.
(اساسنامه حزب)

شعله جاوید



ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

سپتامبر ۱۳۹۹ (سپتامبر ۲۰۲۰)

دوره چهارم

شماره (۲۷)

دومین شماره ویژه، به مناسبت درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

صفحه

مطالب مندرج این شماره:

۲

گزارش محفل یادبود درگذشت رفیق ضیاء

۴

افتتاحیه محفل یادبود رفیق ضیاء

۵

رفیق ضیاء جاودانه شد

۸

رفیق ضیاء به جاودانگی پیوست

۱۰

متن سخنرانی رفیق ...

۱۱

رفیق ضیاء جاویدانه می ماند و همیشه با ماست !

۱۴

مرثیه در سوگ رفیق ضیاء (متن سخنرانی خانم ...)

۱۶

متن سخنرانی رفیق ...

۲۳

رفیق ضیاء رهبر خردمند، مرد سنگر با اندیشه و قلم

۲۷

رفیق ضیاء فناپذیر گردید (متن تحریری خانم ...)

گزارش محفل یاد بود در گذشت رفیق ضیاء

بعد از در گذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، کمیته منطقه شماره دوم روز پنجشنبه ۵ سرطان ۱۳۹۹ خورشیدی تشکیل جلسه داد و فیصله ذیل را به منسوبین حزب در منطقه صادر نمود:

«رفقا:

طبق "اطلاعیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مناسبت در گذشت رفیق ضیاء روز ۵ سرطان ۱۳۹۹ خورشیدی کمیته منطوقی دوم تشکیل جلسه داد و فیصله نمود که به وقت تعیین شده، باید محفل یاد بود از رفیق ضیاء در منطقه برگزار گردد. بناً کمیته منطقه شماره دوم به اطلاع تمام کادرها، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان می‌رساند که روز در ... حضور به هم رسانند و از تمامی رفقا تقاضا نمودیم تا در این روز آمادگی خود را داشته باشند. یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد.

کمیته منطقه شماره دوم»

روز تمامی کادرها، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در منطقه گردهم جمع شدند و محفل با حزن و اندوه فراوان آغاز گردید و در محفل دو قطعه عکس بزرگ از رفیق ضیاء بخاطر یادبود از وی گذاشته شده بود.

محفل به مناسبت در گذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سه ساعت به طول انجامید که در ابتدا یک تن از اعضای کمیته منطقه شماره دوم محفل را افتتاح نمود و رفقا را این‌گونه مورد خطاب قرار داد:

«رفقای عزیز!

«ما به پاس خدمات رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان این‌جا جمع شدیم تا یاد و خاطره‌اش را گرامی بداریم و یک بار دیگر تعهد بسپاریم تا خط بنیان‌گذاری شده توسط رفیق ضیاء را به پیش ببریم. بناء از رفقا تقاضا نمودم که بخاطر یادبود از رفیق ضیاء و باقی رفقای ما (رفیق حفیظ و رفیق عزیز دو عضو برجسته اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و رفیق مهمند، رفیق وثوق و رفیق کریم‌الله سه عضو فعال و برجسته حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و هم چنین رفیق پشه‌ای یک تن از فرماندهان حزب که متأسفانه نیروهای مترجع مسلح حزب اسلامی او و یک رفیق دیگرش را غافل‌گیر نموده هم‌چو کوردلان بزدل بالای شان حمله می‌کنند و رفیق پشه‌ای جان می‌بازد و رفیقش با از دست دادن یک چشمش می‌تواند خود را به سلامت از چنگال قاتلان مردم برهاند) به پا می‌خیزیم و ۴ دقیقه سکوت می‌نمائیم.»

زمانی که رفیق، نام زنده یاد ضیاء را برد، گلویش گرفت و اشک از چشمانش جاری شد، تمام رفقا با گلوی گرفته و اشک در

چشمان به پا خاستند و ۴ دقیقه سکوت را توام با اشک سپری نمودند. حتی بسیاری از رفقا اشعار، مقالات و سخنرانی‌های شان را توام با اشک خواندند.

بعد از سکوت ۴ دقیقه رفیق سخنانش را این‌طور ادامه داد:

«گرچه از دست دادن رفیق ضیاء برای ما حزن و اندوه فراوان است، ولی ما باید این حزن و اندوه خویش را به نیروی مبارزاتی تبدیل نمائیم و مانند مردمک چشم وحدت و همبستگی حزب را حفظ نمائیم... می‌خواهم یاد آور شوم که تجلیل محفل یاد بود از رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نشانه وحدت و همبستگی حزب ما و ادامه خط مائوئیستی که توسط رفیق ضیاء بنیان‌گذاری شده می‌باشد.»

رفیق، هم چنین در مورد شخصیت زنده یاد ضیاء چنین ابراز نظر نمود:

«رفیق ضیاء رهبر خردمند و توانا شخصیتی بود که درفش مستقل پرولتاریا یعنی حزب کمونیست و جنبش کمونیستی را در افغانستان به اهتزاز در آورد. افتخار تاریخی این مبارزه فقط با رفیق ضیاء است. او نه تنها درفش مستقل پرولتاریا در افغانستان را به اهتزاز در آورد، بل که با تحلیل داهیانه خویش

توانست که نکات ضعف و انحرافی "سازمان جوانان مترقی" را نشانی نموده و نکات مثبت آن را متکامل نماید. او با تکامل جنبه‌های مثبت "سازمان جوانان مترقی" خط انقلابی رفیق اکرم که زیر خاک مدفون گردیده بود بیرون کشید و از آن دفاع نمود.

رفیق ضیاء علیه گرایش‌های انحرافی اپورتونیستی، رویزیونیستی، تسلیمی و تسلیم طلبی در سطح ملی و بین‌المللی مبارزه نمود و برای دفاع از خط پرولتری در سطح ملی و بین‌المللی سهم فعال گرفت و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در این مسیر آبدیده نمود.

بعداً رفیق گرداندگی محفل را به یک تن از اعضای جوان سپرد. گرداننده محفل ابتدا سخنانش را با این شعر آغاز نمود:

ز دید مکتب ما، عمر جاوید
به جز جنبیدن و پابندگی نیست
خروشد موج سرکش جاودانه
حباب پوچ را پابندگی نیست

رفیق جوان ما از این که عضو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است بر خود می‌بالید و گفت:

«هیچ افتخاری بالاتر از عضویت حزبی که توسط رفیق ضیاء بنیان گذاری شده نیست. همه کس را لیاقت عضویت چنین حزبی نیست. این حزب متعلق به زحمت‌کشان

کشور می‌باشد. یعنی فقط پرولتاریا و بقیه زحمت‌کشان کشور و نیروهای انقلابی می‌توانند اعضای چنین حزبی باشند.»

سپس رفقا به نوبت مقالات، اشعار و سخنرانی‌های خویش را ارائه نمودند. و در اخیر محفل نوبت به قطعنامه رسید. رفیق دیگر عضو کمیته منطوقی قبل از این که قطعنامه کمیته منطقه دوم را بخوانش بگیرد در سوگ رفیق ضیاء سروده خویش را بخوانش گرفت.

در سوگ تو دستانم را به هم می‌بافم

تا طناب دار دشمنان اندیشه‌ات گردد

بعد از تو - شاید سال‌ها و سال‌ها

ابره‌ای بی‌باران و نازا، فضای این مگاک

تیره را

تیره‌تر خواهد کرد

اما قطره از آب را، حلقوم خشک این

صحرا نخواهد چشید.

اما شاید در روزگار پسین

غم اشک دوستان راستین

بذرهای اندیشه‌ات را

به لاله زار سرخی بدل گرداند

رفیق بعد از سروده خویش قطعنامه را به سمع رفقای حاضر در محفل رساند و با این نقل قطعنامه پایان یافت:

«غم و اندوه از دست دادن رفیق ضیاء

صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان زیاد است، اما ما باید طبق اطلاعیه "کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" این غم و اندوه را به نیروی مبارزاتی بدل نموده و قاطعانه وحدت و همبستگی حزب را حفظ نموده و اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در عمل کردهای خویش دقیقاً بکار بندیم.»

به پیش در راه تدارک برای
برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت
ملی مردمی و انقلابی

زنده باد مارکسیزم - لنینیسم -
مائوئیسم!

زنده باد حزب کمونیست

"مائوئیست" افغانستان

کمیته منطوقی شماره دوم

۲۰ سرطان ۱۳۹۹ خورشیدی

افتتاحیه

محفل یادبود رفیق ضیاء

چه مشعلی از دانایی خاموش شد

چه قلبی از تپش باز ایستاد

رفقای عزیز!

با تکامل جنبه‌های مثبت "سازمان جوانان مترقی" خط انقلابی رفیق اکرم که زیر خاک مدفون گردیده بود بیرون کشید و از آن دفاع نمود.

رفیق ضیاء علیه گرایش انحرافی اپورتونیستی، رویزیونیستی، تسلیمی و تسلیم طلبی در سطح ملی و بین المللی مبارزه نمود و "سنتزهای نوین آواکیان" را به چالش کشید و با تمام وجود علیه این "سنتزهای نوین" رویزیونیستی پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی ایستاد و به احزاب مائوئیستی جهان این پیام را رساند که این خط یک خط رویزیونیستی و کلاً در جهت مقابل مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم قرار دارد. او برای دفاع از خط پرولتری در سطح ملی و بین المللی سهم فعال گرفت و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در این مسیر آبدیده نمود.

رفیق ضیاء فنا ناپذیر است

یاد و خاطره رفیق ضیاء جاودانه باد

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم -
مائوئیزم

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست)
افغانستان

محفل امروزی ما توسط کمیته منطقه شماره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تدارک دیده شده که مشتمل بر مقالات، دکلمه‌ها و سخنرانی‌هایی است که به سمع رفقا رسانیده می‌شود. هر یک از رفقا بشمول کادرها، اعضا و هواداران حزب پیرامون شخصیت رفیق ضیاء بمتابه یک انسان توانا، یک رجل سیاسی و یک رهبر خردمند صحبت خواهند نمود. حال که رفیق ضیاء در میان ما نیست، رسالت پیش‌برد خطی که او بنیان نهاده بر دوش ما و کلیه رفقای هم‌رزمش می‌باشد. ما امروز در این‌جا گردهم جمع شدیم تا یک بار دیگر تجدید میثاق نمائیم، خط مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی که توسط رفیق ضیاء بنیان‌گذاری شده با جدیت ادامه می‌دهیم.

می‌خواهم یادآور شوم که تجلیل محفل یاد بود از رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نشانه وحدت و هم‌بستگی حزب ما و ادامه خط مائوئیستی که توسط رفیق ضیاء بنیان‌گذاری شده، می‌باشد.

رفیق ضیاء رهبر خردمند و توانا شخصیتی بود که درفش مستقل پرولتاریا یعنی حزب کمونیست و جنبش کمونیستی را در افغانستان به اهتزاز در آورد. افتخار تاریخی این مبارزه فقط با رفیق ضیاء است. او نه تنها درفش مستقل پرولتاریا در افغانستان را به اهتزاز در آورد، بل که با تحلیل داهیان خویشتن توانست که نکات ضعف و انحرافی "سازمان جوانان مترقی" را نشانی نموده و نکات مثبت آن را متکامل‌تر از قبل نماید. او

ما به پاس خدمات رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان این‌جا جمع شدیم تا یاد و خاطره‌اش را گرامی بداریم و یک بار دیگر تعهد بسپاریم تا خط بنیان‌گذاری شده توسط رفیق ضیاء را به پیش ببریم. بناء از رفقا تقاضا می‌کنم که بخاطر یادبود از رفیق ضیاء و باقی رفقای ما (رفیق حفیظ و رفیق عزیز دو عضو اصلی بر جسته کمیته مرکزی حزب، رفیق مهمند، رفیق وثوق و رفیق کریم الله سه عضو فعال و برجسته حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و هم چنین رفیق پشه‌ای یک تن از فرماندهان حزب که متأسفانه نیروهای مرتجع مسلح حزب اسلامی او و یک رفیق دیگرش را غافل‌گیر نموده هم‌چو کوردلان بزدل، بالای شان حمله می‌کنند و رفیق پشه‌ای جان می‌بازد و رفیقش با از دست دادن یک چشمش می‌تواند خود را به سلامت از چنگال قاتلان مردم برهاند) به پا می‌خیزیم و ۴ دقیقه سکوت می‌نمائیم.

رفقا!

گرچه از دست دادن رفیق ضیاء برای ما حزن و اندوه فراوان بار آورده، ولی ما باید این حزن و اندوه خویشتن را به نیروی مبارزاتی تبدیل نمائیم و مانند مردمک چشم وحدت و هم‌بستگی حزب را حفظ نمائیم.

ز دید مکتب ما، عمر جاوید

به جز جنبیدن و پایندگی نیست

خروش موج سرکش جاودانه

حباب پوچ را پایندگی نیست

رفقا!

ما عضو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان هستیم. هیچ افتخاری بالاتر از عضویت حزبی که توسط رفیق ضیاء بنیان گذاری شده نیست. همه کس را لیاقت عضویت چنین حزبی نیست. این حزب متعلق به زحمت کشان کشور می باشد. یعنی فقط پرولتاریا و بقیه زحمت کشان کشور و نیروهای انقلابی می توانند اعضای چنین حزبی باشند.

رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از زمانی که از خط ملی اسلامی "ساما" برید، با آشنایی به مراحل تکامل یافته مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم و الهام گیری از انقلاب فرهنگی چین، جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و جنگ خلق در پیرو، بنیان جنبش کمونیستی را در افغانستان ریخت و آن را روز بروز متکامل تر نمود تا این که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را با رفقای هم‌رزمش بنیان گذاری نمود. افتخار تاریخی تکامل کیفی جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی در افغانستان فقط مربوط رفیق ضیاء است.

رفیق ضیاء از زمان بنیان گذاری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تا زمان بدرد حیاتش روی استحکام و وحدت حزب تاکید می‌ورزید. خودش این مسئولیت را بدرستی به پیش هدایت نمود. ما سوگند یاد می‌کنیم که خط اصولی که توسط رفیق ضیاء در افغانستان بنیان گذاری شده باجدیت ادامه داده نام پر افتخار عضویت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و وحدت حزب را مانند مردمک چشم خود حفظ می‌نمائیم.

در این قسمت محفل از رفیق ... می‌خواهم تا مقاله‌ای را که تهیه نموده اند به خوانش بگیرد.

رفیق ضیاء جاودانه شد

زندگی با مبارزه توأم است. انسان‌ها و همه زنده جان‌ها برای زنده ماندن میان مرگ و حیات در مبارزه مداوم قرار داشته و همیشه با آن دست و پنجه نرم می‌کند، این پروسه به نوع خود یکی از اشکال مبارزه می‌باشد. مبارزه در همه ابعاد زندگی و بخصوص مبارزه طبقاتی و سیاسی به حیث یک ضرورت عینی در سطوح مختلف زندگی اجتماعی بین طبقات مختلف جامعه و طبیعت وجود دارد. در چنین شرایطی مبارزه طبقاتی علیه طبقات حاکمه و امپریالیسم از عمدگی برخوردار می‌باشد. در جریان مبارزه مخالف و تطابق، شکست و پیروزی، منفعت و ضرر، مرگ و حیات یکی بر دیگری تفوق و برتری کسب می‌نماید و در تداوم این وضعیت تکامل در پدیده‌های گوناگون صورت می‌گیرد. و منافع افراد با منافع جمعی در جامعه به تقارن و تخالف قرار می‌گیرد. از این جاست که مبارزه طبقاتی به شکل حادثی بروز می‌نماید.

در چنین شرایطی است که نیروهای انقلابی سربلند نموده از منافع جمع در مقابل منافع فرد به دفاع برخاسته و همیشه به منافع توده‌های رنج دیده کشور می‌اندیشند. چنین اشخاصی در جایگاه تاریخی خود مانند ستاره می‌درخشند و زندگی چنین مردان انقلابی به درخشندگی ستارگان ابدی و جاودانه است.

در نیمه دهه چهل خورشیدی که مبارزات میان طبقه حاکمه و خلق افغانستان حاد گردید، رفیق اکرم با تعدادی از هم‌زمانش برای پیش‌برد مبارزات انقلابی علیه طبقه حاکمه "سازمان جوانان مترقی" را بنیان گذاری نمود و به مبارزه علیه طبقه حاکمه پرداخت. جریان دموکراتیک نوین گویای مبارزات برحق "سازمان جوانان مترقی" تحت رهبری رفیق اکرم بود. در این دوران طبقه حاکمه تعداد زیادی از نیروهای انقلابی را به زندان انداخت. متأسفانه که بعد از مریضی رفیق اکرم و کناره گیری وی از سیاست، پاسیفیزم و اکونومیزم بر جریان مسلط گردید و سبب انشعاب در "سازمان جوانان مترقی" و جریان دموکراتیک نوین گردید. انتقادیون جای این که گامی به جلو گذارند و جنبه‌های

مثبت خط رفیق اکرم را تکامل دهند، ده‌ها گام عقب رفته و در انحرافات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی اکونومیزم و محلی‌گرایی غرق گردیدند. با سر بلند نمودن کودتای ۱۳۵۲ خورشیدی خط رفیق اکرم آهسته آهسته به فراموشی سپرده شد و در زیر خاک دفن گردید.

بعد از کودتای ۷ ثور تعداد زیادی از نیروهای انقلابی "سازمان جوانان مترقی" و جریان دموکراتیک بشمول رفیق اکرم بازداشت و در گورهای دست‌جمعی دفن گردیدند. یاد همه‌شان گرامی باد. در چنین حالتی که کمبود نیروهای انقلابی مانند رفیق اکرم و تعدادی از هم‌زمانش احساس می‌شد، سازمان‌های متعدد از انتقادیون و مدافعین بوجود آمد. یک بخش انتقادیون (گروه انقلابی خلق‌های افغانستان) از اکونومیزم به رویونیوم سه جهانی تکامل منفی نمود و شعار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را بلند نمود. در چنین شرایطی سه جناح با برنامه‌های مختلف گردهم جمع شدند و بالاخره با پذیرفتن برنامه دموکراتیک زنده یاد مجید در جوزای ۱۳۵۸ خورشیدی "ساما" را تشکیل دادند. "ساما" بعد از مرگ زنده یاد مجید حتی به خط دموکراتیک پایبند نماند و با بیرون نمودن اعلام مواضع که در حقیقت برنامه "تازه اندیشان" بود راه انحرافی را در پیش گرفت و مانند "سازمان رهایی افغانستان" "شعار انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی"

را بلند نمود. "ساما" با بیرون نمودن این خط انحرافی از تسلیم طلبی طبقاتی به تسلیم طلبی ملی تکامل منفی نمود. یا بعبارت دیگر "ساما" بعد از اعلام مواضع تا آخرین لحظه حیات خود با تسلیم‌طلبی طبقاتی و ملی آغشته بود. و همین اکنون هم در این دام دست و پایش بسته است.

مبارزه علیه تسلیم‌طلبی‌های "ساما" در سال ۱۳۶۰ خورشیدی توسط رفیق ضیاء شروع گردید و تا حدودی پیش رفت که خط تیوری سه‌جانبه‌ان و کرنش در مقابل سوسیال امپریالیزم چین در درون "ساما" سربلند نمود. رفیق ضیاء علیه این خط با جدیت ایستاد که بالاخره منجر به انشعاب بخش غرچستان "ساما" تحت رهبری رفیق ضیاء گردید.

رفیق ضیاء در گام نخست "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان" را بنیان‌گذاری نمود که بعداً بنام "سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان" مسمی گردید و به تعقیب آن با اتحاد با بخش املا مائوتسه دون اندیشه حزب کمونیست افغانستان را پایه‌ریزی نمود.

به این طریق رفیق ضیاء خط اصولی رفیق اکرم که در زیر خاک

مدفون شده بود، از زیر آوار بیرون کشیده و جنبه‌های اصولی آن را تکامل داد که افتخار تاریخی این حرکت کمونیستی متعلق به رفیق ضیاء است.

رفیق ضیاء در عمل مبارزاتی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم را بعنوان رهنمای اندیشه و عمل خود بکار می‌بست. زندگی او حاصل مبارزه علیه امپریالیسم، ارتجاع، انواع و اشکال رویزیونیسم، اپورتونیزم، اکونومیسم، فرمیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی بوده است.

زندگی مبارزاتی رفیق ضیاء بر مبنای علمی استوار بود او در جریان مبارزات با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص اصول علمی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی را بکار بست و زندگی خود را بر اساس رسیدن به مفاهیم از شناخت حسی به شناخت تعقلی و پیاده نمودن شناخت تعقلی در عمل مبارزات روزانه وقف نمود. او تلاش می‌ورزید که با وحدت تیوری و عمل در زندگی مبارزات روزمره انتقاد از خود و دیگران را بکار بندد و پیوند عمیق با توده‌ها بر قرار نماید و در راه کسب معرفت خود بی‌نهایت تلاش می‌ورزید او لحظه در مطالعات

آثار رهبران پرولتاریا غفلت نمی‌نمود. او سعی می‌ورزید تا آن چیزی را که آموخته به دیگران انتقال دهد. او در مورد آموزش همیشه به رفقا این گفته لنین را تکرار می‌نمود:

«ما باید به هر قیمتی که شده در این راه گام برداریم، که نخست بیاموزیم، سپس بیاموزیم و باز هم بیاموزیم، و آن‌گاه آن قدر پیش رویم که اطمینان حاصل کنیم که آموختن، یک واژه مرده نباشد، بل که قسمتی از خود وجود ما و کاملاً جزئی از اجزای متشکله زندگی اجتماعی ما باشد»

رفیق ضیاء شخصیتی بود که هرگز به منافع شخصی فکر نمی‌کرد. او همیشه تاکید می‌ورزید که پایگاه اصلی حزب میان پرولتاریا و سایر زحمت‌کشان می‌باشد و به رفقا توصیه می‌نمود که این پایگاه نباید خالی بماند و باید مداوماً بر این تحکیم و گسترش حزب میان آن‌ها بکوشیم.

رفیق ضیاء یک رهبر توانا و نویسنده بزرگ بود او برای ترسیم خط ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خدمات شایانی انجام داد.

رفیق ضیاء بعد از ختم پروسه وحدت و تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در سال ۲۰۰۴ میلادی تا آخرین لحظه حیاتش بعنوان یک رهبر خردمند و توانا حزب کمونیست (مائوئیست)

افغانستان را بدرستی رهبری نمود. او در سطح ملی و بین‌المللی بنا به رسالت تاریخی خود خدمات ارزش‌مندی انجام داد. او در پیش‌برد فعالیت‌های جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به مثابه رابطه با احزاب مائوئیست سایر کشورها سهم به‌سزایی داشت.

در شرایط بس حساس کشور از دست دادن رفیق ضیاء یک ضایعه بزرگ نه تنها برای حزب ما و بقیه مائوئیست‌های کشور و خلق‌های ستم‌دیده افغانستان است، بل که ضایعه بزرگ برای تمامی مائوئیست‌های جهان و پرولتاریای بین‌المللی به شمار می‌رود.

من بعنوان شخصی که وی را از نزدیک می‌شناختم و با افکار و عقاید او بخوبی آشنا شده بودم تعهد می‌نمایم که خط سرخ رفیق ضیاء که همانا خط مائوئیستی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است با جان و دل ادامه داده و در راه تحکیم، هم‌پستگی و وحدت حزب بکوشم. ایمان راسخ دارم که رفقای هم‌رزمش راه او را بدرستی ادامه خواهند داد.

جایگاه تاریخی رفیق ضیاء به درخشندگی ستارگان ابدی و جاودانه است.

بیا و پنجه بیداد بشکن
 طلسم شوم استبداد بشکن
 بدستی تیشه و در دیگری سر
 بگیر و رونقی فرهاد، بشکن
 به فریادی زلب مهر خموشی
 ازین پس هر چه بادا باد، بشکن
 اگر خواهی بنا کردن بنایی
 نخست این نظم بی بنیاد بشکن
 تو شاهینی، قفس را "سرمد" از خشم
 اگر خواهی شوی آزاد، بشکن

در این قسمت محفل از رفیق ... می خواهیم آن چه را که تهیه نموده اند به سمع رفقا برساند.

رفیق ضیاء به جاودانگی پیوست

بسازم بیرق خونین کفن را

اگر دشمن بریزد خون من را

زخونم لاله روید، شعله خیزد

زند آتش (سرای اهرمن) را

"سنتزهای نوین" در سطح جهان موقعیت او را به عنوان یک مارکسیست - لنینیست - مائوئیست کبیر تثبیت نمود.

رفیق ضیاء یکی از پیش گامان صدیق و خستگی ناپذیر جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی کشور بود که خط اصولی رفیق اکرم را که مدت طولانی در زیر خاک مدفون شده بود، بیرون کشید و از لحاظ کمی

مائوئیست کبیر بود که برای حفظ و پاکیزگی مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم از لوث عناصر ناباب، انواع و اشکال رویزیونیزم، بخصوص رویزیونیزم آواکیان، اپورتونیزم، اکونومیزم، تسلیم شدگان و تسلیم طلبان لحظه ای درنگ نکرد، و مبارزاتش را بطور همه جانبه و اصولی به پیش برد و نقاب کاذب به اصطلاح انقلابی، مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی را از چهره شان برداشت.

مبارزات رفیق ضیاء علیه رویزیونیزم

درگذشت نا بهنگام رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان واقعاً برای حزب ما، خلق های زحمت کش کشور، تمامی مائوئیست های کشور و جهان و هم چنین پرولتاریای بین المللی ضایعه بزرگ و غیر قابل سنجش است.

رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یک رهبر توانا و مارکسیست - لنینیست -

و کیفی آن را تکامل داد. او جنبش نوین کمونیستی را در نیمه دهه شصت خورشیدی بنیان گذاری نمود.

رفیق ضیاء شخصیت بزرگ انقلابی بود که همیشه مبارزات انقلابی خود مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم را بعنوان رهنمای اندیشه و عمل بکار می بست. او بطور مکرر به رفقا تاکید به تطبیق حقایق عام مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم در شرایط خاص افغانستان می ورزید.

رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای ترسیم خط ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خدمات ارزشمندی انجام داده است. او یک نویسنده توانا و یک رهبر خردمند بود که مسایل اساسی انقلاب و شرایط مشخص اوضاع جاری را بطور دقیق و همه جانبه تجزیه و تحلیل می نمود. او همیشه بر استحکام حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تاکید می ورزید و به رفقا توصیه می نمود که باید در این زمینه توجه جدی داشته باشند.

ما امروز بعد از درگذشت رفیق ضیاء بخوبی درک نمودیم که نیاز مبرم ما در شرایط کنونی استحکام حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است. فقط از این راه است که می توانیم گام های موثری به پیش گذاشته و راه رفیق ضیاء را ادامه دهیم.

ما باید غم و اندوه بزرگ ناشی از درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به انرژی مبارزاتی خود تبدیل نمائیم و قاطعانه در وحدت و همبستگی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تلاش نمائیم.

در اخیر من به حیث عضو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تعهد می سپارم که خط سرخ انقلابی ای که توسط رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بنیان گذاری شده ادامه دهم، و یکی از شاگردان آن رهبر خردمند و توانا باقی خواهیم ماند.

یاد و خاطره رفیق ضیاء جاودانه باد!

رفیق ضیاء در میان ماست زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

چیست این نعره یی که می لرزد

از طنینش، ستون کاخ ستم

می خورد از خروش آهنگش

نظم هستی دشمنان برهم

هست ناقوس مرگ مرتجعین

این صدایی که می رسد در گوش

باز گوید زودتر سازید

شمع هستی ارتجاع خاموش!

جبر تاریخ میدهد فرمان

که: سپاهی توده ها باش

با ستم پیشگان غارت گر

مرز بندید تا جدا باشید

امر تردید ناپذیر زمان

کند ابلاغ قاطعانه چنین:

کز وجود کثیف مرتجعین

پاک سازید پاک روی زمین

در این قسمت محفل از رفیق می خواهم شعری را که تهیه نموده اند خدمت تان دکلمه نماید.

متن سخنرانی ...

رفقا!

من هم به نوبه خود حضور گرم‌تان را در محفل یادبود رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خیر مقدم می‌گویم. زمانی که رفیق ... محفل را افتتاح می‌نمود، از چشمان همه رفقا اشک جاری گردید، به خوبی درک نمودم که از دست دادن رفیق ضیاء چقدر ضایعه بزرگ برای حزب ماست.

در بافته زمان و مکان بین مرگ و زندگی جدل است زمانی که مرگ غلبه کند زندگی پایان می‌پذیرد. رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تا زمانی که بدرود حیات گفت با آن که زندگی حقیرانه‌ای داشت همیشه به آزادی مردمان ستم‌دیده و استقلال کشور فکر می‌کرد. این مرگ هم‌چو کوه گران سنگ است. چه خوب است که عمر ما هم همین قسم پایان یابد.

رفیق ضیاء برای من الگو بود. هر باری که او را می‌دیدم روحیه مبارزه می‌رسد روزی که شب حاشا شود

روشنی‌های شفق بر پا شود
چهره‌ی منحوس تاریکی شب
در درازای زمان رسوا شود
رنگ ظلمت رخت بندد همیشه
نقره گون رنگ افق پیدا شود
ذره‌های از امید زندگی
"قطره قطره جمع تا دریا شود"
آن زمان بار دگر سیمای عشق
خنده رو چون غنچه‌ی گل‌ها شود
می‌رسد روزی که رویاهای سبز
در حقیقت رو برو با ما شود
می‌رسد روزی که با عشق و امید
بیرق آزادی بالا شود

اگر ترست بود از پیشه ما
 برو از سنگر و از پیشه ما
 مکن آلوده با ننگ خیانت
 درفش مردم و اندیشه ما

حال از رفیق ... می‌خواهم تا با سخنانش به گرمی محفل ما بیفزاید.

رفیق ضیاء جاویدانه می‌ماند و همیشه با ماست!

مرد نمیرد به مرگ، مرگ ازو نام جست

نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست!

جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم اشغال‌گرای آمریکا را لحظه‌ای به فراموشی نسپرد.

هر باری که او را دیدم، مسایل تازه‌ای از وی آموختم. رفیق ضیاء برایم استاد بزرگواری بود که مرا به ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی آشنا نمود و در این مسیر بصورت درست رهنمایی ام کرد.

معنای درست ادبی، وزن، قافیه و سوژه شعر را از وی آموختم. او همیشه اشعارم را اصلاح و رهنمودهای درستی برایم ارائه می‌نمود. او همیشه جوانان را در جهت مطالعه کتاب، نوشتن مقالات و سرودن شعر تشویق و ترغیب می‌نمود. مدام می‌گفت هر کسی که بخواهد به یک کادر عالی

و مردمان ستم‌دیده و پرولتاریا کشور و جهان و تمامی مائوئیست‌های افغانستان و جهان و علی‌الخصوص به فامیل محترم رفیق تسلیم عرض میدارم.

رفیق ضیاء فرد خردمند، خستگی‌ناپذیر و فعال در مسیر خدمت به خلق و مبارزه علیه نظام‌های استبدادی و ددمنشانه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده بود. نشستن با وی لذت‌بخش و آموزنده بود. او الگوی معرفت و دانش بود. روحیه رفیع و متعالی او در مقاومت ملی مردمی و انقلابی به ما انگیزه می‌داد.

او هیچ‌گاه با تمام معضلاتی که داشت رویه سرد را پیشه نکرد و با خنده‌هایش انرژی مبارزاتی را زیاده‌تر می‌نمود. تا وداع نابهنگام و جان‌گدازش شعار استقلال و آزادی و مرگ بر اشغال‌گران امپریالیست به سردمداری امپریالیزم اشغال‌گر آمریکا، اشغال‌گران مرتجع داعشی، رژیم دست‌نشانده، و تسلیم‌طلبان و تسلیم‌شدگان، ورد زبانش بود، و شعار برپایی

رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان رهبر، نویسنده، شاعر توانا و خوش‌قریحه و تئوریسن زبردست ملی و بین‌المللی بود. او فنا‌ناپذیر و جاودانه باقی است. او برای پرولتاریا در مبارزات انقلابی و جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) الگو بود و خطی که در افغانستان ترسیم نمود برای همیشه جاویدان باقی خواهد ماند.

درگذشت نابهنگام و جانسوز رفیق ضیاء، صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، تمامی رفقا، هواداران حزب و توده‌های ستم‌دیده را در داخل و خارج کشور به ماتم و سوگ عظیمی نشانده. این ضایعه بزرگ و ناباورکردنی را به تمامی اعضا و هواداران حزب

حزب تبدیل شود و در خدمت پرولتاریا و ستم‌دیدگان قرار داشته باشد باید بیاموزد، بیاموزد و باز هم بیاموزد. از طریق آموزش درست و دسترسی به آثار علمی مارکس، انگس، لنین، استالین و مائوتسه دون است که می‌توان شاعر و نویسنده توانا گردیده و آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشت. و از این طریق است که می‌توان چهره اصلی اشغال‌گران امپریالیست، اشغال‌گران مرتجع داعشی، رژیم دست‌نشانده، انواع و اشکال رویزیونیسم، رفرمیسم، تسلیم طلبان و تسلیم شدگان را به همگان هویدا ساخت. او به ما آموزش داد که برای رسیدن به چنین آرمانی باید قاطعانه مبارزه نمائیم و لحظه‌ای از توده‌ها غافل نمانده، و همچو ماهی در میان آب در میان توده‌ها باشیم.

زمانی که خبر درگذشت وی را شنیدم باورم نشد، دقیقی مات و مبهوت مانده و اشک از

چشمانم جاری گردید، در گوشه‌ای خلوت گریستم تا که چشمانم رنگ خون را با خود گرفت. هر لحظه‌ای که یاد و خاطرات او جلو چشمم می‌آید و برای این که خود را تسلی دهم در گوشه‌ای سر به گریبان نموده به یاد خاطراتش گریه می‌کنم.

یاد و خاطرات چنین رفیق راسخ و خردمند، که همیشه کوشش می‌نمود مرا به راه درست مبارزاتی هدایت کند، باعث می‌شود که از درد بر خود به پیچم و برای مدتی گوشه عزلت را انتخاب کنم، و اشک بریزم و در مورد این ضایعه بزرگ به فکر فرو روم و با خود بگویم که ۶۸ سال عمری نبود که دستان شکننده ابتذال مرگ، یک چنین رهبر خردمندی را از ما گرفت. تمامی رفقای ما اکنون بخوبی کمبودی او را احساس می‌کنند و از درد بر خود می‌پیچند، اما با جدیت تمام، خط بنیان‌گذاری شده توسط صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را ادامه می‌دهند.

بلی رفقا این درد سنگین است!

ولی ما یاد و خاطره رفیق ضیاء را بعنوان

یک رهبر توانا و خردمند، با امید و اراده قوی مبارزاتی برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی برای بیرون راندن قهری اشغال‌گران امپریالیست و سرنگونی رژیم پושالی و استقرار جامعه دموکراتیک نوین و پیش‌روی بسوی جهانی که در آن اثری از ستم و استثمار نباشد گرامی می‌داریم.

رفیق ضیاء ما را همیشه تشویق می‌نمود و به ما می‌گفت که زندگی نوسان دارد و هر لحظه در حال تغییر و تکوین است. در مسیر پر پیچ و خم مبارزه شاهد مرگ و میر عزیزان خود خواهیم بود، اما درمان درد ما ماتم گرفتن نه، بلکه نبرد و مبارزه است. و برای استقلال و آزادی همیشه باید بها پرداخت و مبارزه کرد. رفیق ضیاء این موضوع را در قالب شعر چنین بیان نموده است.

غم مرگ عزیزان به خاک افتاده سنگین است

دل یاران به سوگ رفته گان رنجور و غمگین است

ولی نبود غم و اندوه علاج رنج و درد ما

مدوا بهر درد ما بود عزم نبرد ما

ز خصم ددمنش جز قتل و غارت انتظاری نیست

به جنگ ما به جزء فتح و فنا دگر شعاری نیست

مسیر شهر آزادی دراز است پیچ و خم دارد

سرود رهنوردانش خوش آوا زیر و بم دارد

هزاران رفته ازین ره هزاران دیگری آیند

هزاران مانده درین ره هزاران دیگری پایند

هزاران جان فدا باید تیار از بهر آزادی

که بزم انقلاب است این، نه بزم عیش و مهمانی

بلی رفقا!

تاکید زنده یاد رفیق ضیاء را دوباره تکرار می‌کنم، درمان درد ما ماتم گرفتن نه، بلکه نبرد و مبارزه است! و برای استقلال و آزادی همیشه باید بها پرداخت و مبارزه کرد. "که بزم انقلاب است این، نه بزم عیش و مهمانی"

هرآن چه می‌خواست برایش میسر بود، اما در وطن ایستاد و شعار جنگ علیه اشغال‌گران امپریالیست، اشغال‌گران مرتجع داعشی، رژیم دست‌نشانده را بلند نمود و تا بدرود حیات در این مسیر مستحکم و استوار بود.

خدمت به توده‌های تحت ستم و نجات کشور از یوغ اسارت و بندگی دست‌نکشید، در تاریخ مبارزاتی کمونیستی جهان و در وجود و قلب همه مان جاویدان و فناپذیر باقی خواهد ماند.

همان‌طور که زنده یاد رفیق ضیاء، مسیر مبارزاتی زنده یاد اکرم را مستکامل تر پیش برد، ما نیز درین راه از هیچ سعی و تلاشی دریغ نمی‌ورزیم و در پی طی نمودن آرمان این رادمرد تا پای جان در مبارزات مان مستحکم می‌باشیم و ادامه می‌دهیم و غم و اندوه عمیق مانرا به نیروی مبارزاتی قوی تبدیل می‌نماییم.

درودهای سرخ و انقلابی را بر چنین رهبر خردمند و توانا می‌فرستیم!

جاوید باد زنده یاد رفیق ضیاء زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

یاد و خاطره رفیق ضیاء، رفیق هم‌سنگر و هم پیمان و هم‌گام، که هرگز از راه

زننده یاد رفیق ضیاء یک مارکسیست - لنینیست - مائوئیست به تمام معنا بود و زندگی فقیرانه در میان توده‌ها را پس‌ندید، و از زندگی مرفح دوری گزید. و در شرایط اسفبار و بحران زای کنونی افغانستان هیچ‌وقت فکر مهاجرت به آن طرف ابحار به سرش نزد، اگرچه



زخون شب چراغی بر فروزید
 بساط شب پرستان را بسوزید
 گریبان نفاق بد ثمر را
 به خونین رشته وحدت بدوزید

در این قسمت محفل از رفیق هم‌رزمان خانم ... تقاضا می‌کنیم آن‌چه را که تهیه نموده‌اند به سمع شما برساند

متن سخنرانی خانم

لنینیستی - مائوئیستی رهنمایی نمود. تعهد می‌نمایم خطی که رفیق ضیاء بنیان‌گذاری نموده و مرا با آن آشنا ساخته با جدیت تمام به پیش برم. یاد و خاطره اش گرامی باد.

اینک شعری تحت عنوان "مرثیه در سوگ رفیق ضیاء" از سروده‌ها رفیق را خدمت تان تقدیم می‌نمایم.

سالگی به آغوش گرفت. چقدر سنگین است مرگ چنین راد مرد خردمند و توانا. هر لحظه یاد و خاطره اش در ذهنم حضور می‌کند و اشک از چشمانم جاری می‌شود، زیرا او بهترین معلم من در راه مبارزه علیه بیداد و ستم‌گری بود. من بسیاری چیزها از وی آموختم. رفیق ضیاء تفاوت میان فمینیسم بورژوازی و فمینیسم مائوئیستی را برایم آموخت، درست مرا در مسیر مبارزات اصولی مارکسیستی -

رفقا!

زمانی که خبر درگذشت رفیق ضیاء رهبر خردمند و توانا را شنیدم مات و مبهوت بر جای ماندم و بر دیوار تکیه زدم و فکر کردم که کوه بابا را روی شان‌هایم گذاشتند بعد از لحظه اشک از چشمانم سرازیر شد و با خود گریستم که چطور خاک سیاه رفیق ضیاء را به عمر ۶۸

مرثیه در سوگ رفیق ضیاء

۸ جولای ۲۰۲۰

ای رفیق قهرمان و دانا
 در لوح دل و جان ما
 نقش تو باقیست
 این رفتنت
 این وداع تلخ تو
 درد جانکاهی را بجای گذاشته است
 و بار سنگینی اندوه ات
 به حجم کوه
 بر پشت ما بار شده است
 و سوزانیده است
 تمام پیکر مانرا
 ای رفیق خردمند

امشب واژه‌ها در ذهنم پرپر شده است
 ورق‌ها سفید مانده است
 توانی برای نوشتن نیست
 قلم در جایش قرار دارد
 نور چشمانم کم کم تاریک می‌شود
 دوک دوک‌های قلبم خیلی کم می‌زنند
 و سکوت مطلق
 در اتاقم فرمان روایی می‌کند
 آه
 ضیاء
 ای رهبر خردمند و توانا
 رفیق با مرام و با وفا

رفیق هم سنگر و هم پیمان

تو همانی

که از راه خدمت به خلق و میهن و آزادگی

و نجات کشور از یوغ اسارت و بندگی

هرگز دست نکشیده ای

تو همانی که زندگی ات مالا مال

در مبارزه علیه بیداد و ستم

در مسیر روزگار پر پیچ و خم

سپری شد

و شعار جنگ خلق علیه استعمار و اشغال

در هر چهار فصل سال

ورد زبانت بود

تو همانی

که ما همواره از تو

امید

تعهد راسخ

و عزم سترگ مبارزه علیه اشغال گران را

آموختیم

رفیق این درد فراق جانشوز است و سخت سنگین

ولی راحت بخواب

ما برای پیاده نمودن رویاهایت

جان ها را فدا

سرزمینی نوینی را بنا

لشکر ستمگران را به خاک و خون یک سان

و بنیان ظلم را ویران

خواهیم نمود

رفیق تو زنده ای در تاریخ مبارزاتی جهان

در هر مکان و زمان

در وجود همه مان، فناپذیری

و جاویدان است نام تو در قلب ها

و ایده ات با شکوه باقیست

آرام بخواب

رفیق

درودهای سرخ و آتشین را بر تو می فرستیم

بر تویی که درس آزادگی را بر ما آموخت

راحت بخواب

خط سرخات جاویدان باقیست!!!

راحت بخواب.

آرام بخواب.

**

*

آه

ضیاء

ای رهبر خردمند و توانا

رفیق با مرام و با وفا

ای رفیق قهرمان و دانا

در لوح دل و جان ما نقش تو باقیست

این رفتنت

این وداعی تلخ تو

درد جانکاهی را بجای گذاشته است

و بار سنگینی اندوه ات

به حجم کوه

بر پشت ما بار شده است

و سوزانیده است

تمام پیکر مانرا

در این قسمت محفل از رفیق ... می‌خواهم که با سخنان شان محفل ما را گرم‌تر سازند.

متن سخنرانی

رفقا!

را در شرایطی بس حساس از دست دادیم، شرایطی که طالبان به اشغال‌گران امریکایی تسلیم شدند و موج تسلیمی و تسلیم طلبی از هر سو سر بلند نموده است و کشور دارد بطرف عمیق شدن انقیاد ملی می‌رود.

گرچه از دست دادن رفیق ضیاء برای حزب ما و توده‌های ستم‌دیده افغانستان یک ضایعه بزرگ

نمی‌شود که خاک رفیق ما را در آغوش گرفته باشد. رفیقی که در هر مشکل و هر پیچ و خم مبارزه ما را یاری می‌نمود تا از اصولیت منحرف نشویم. رفیقی که ما را بدرستی به اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی آشنا نمود، رفیقی که به ما آموخت چگونه علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم پوشالی، تسلیمی و تسلیم طلبی مبارزه نمائیم. رفیقی که در هر شرایط در کنار ما ایستاده بود و به ما قوت قلب می‌بخشید. ما چنین رفیقی

چقدر دردک‌ناک است از دست دادن رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان.

زمانی که خبر درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را شنیدم به سرگیچه افتادم و جا بجا نشستم و اشک از چشمانم جاری گشت، با آن هم باورم

محسوب می‌گردد، ما باید غم و اندوه خود را به نیروی مبارزاتی تبدیل نموده و هر چه مصمم‌تر از قبل برای مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم پویشالی، انواع و اشکال رویزیونیسم، اپورتونیزم، رفرمیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی آماده شویم. ما زمانی می‌توانیم که یاد و خاطره رفیق ضیاء را زنده نگاه داریم که خط بنیان گذاری شده توسط او و رفقای هم‌رزمش را در عمل پیاده نمائیم. ما سوگند یاد می‌کنیم، بیرقی که توسط رفیق ضیاء به اهتزاز در آمده است بطور مداوم به اهتزاز نگه خواهیم داشت.

یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد!

رفیق ضیاء همیشه در قلب ما جاودانه باقی است.

شعری که همین اکنون می‌خواهم دکلمه نمایم سروده ایست از رفیق ضیاء شاعر توانا و رهبر خردمند حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

چو پیکاری ظفر یابد رجز خوان

میان جنگ وقت ادعا نیست

دردی سختی است

سخت‌ترین دردها

درد شکستن یاران

و درد متعاقب آن

درد پدرود گفتن شان با آرمان

و درد متعاقب آن

درد نقض عهد و پیمان شان

و درد متعاقب آن

درد شهادت علیه همسنگران شان.

ببر امزون

وقتی در جنگل بود

و می‌جنگید

ما را در هر گوشه جهان

نبردهایش برای جنگیدن آماده می‌کرد.

و وقتی هم در قفس بود
ولی می غریب
غرش هایش به ما نیرو می بخشید.
ازینرو ما همه در سراسر جهان
برای حفظ جاننش با جان کوشیدیم
و از نان اندک خود زدیم
و برای زنده ماندنش خرچ کردیم.
اما وقتی از درون زندان
برای صلح و تسلیم زوزه کشید
دیگر از آن ببر جنگی و غرش هایش
اثر و نشانه ای باقی نماند
و ناگهان ببر دیروزی مان را
در هیئت یک گوره ناتوان یافتیم.
او شکست
با آرمان پدرود گفت
نقض عهد و پیمان کرد
و خود شهادت زنده ای علیه ما گشت.
پس لشکرش شکست و پراکنده گشت
و یاران همسنگرش نیز
یکی یکی به اسارت افتادند
و او جان و تن به صلح خواهی سپرد
اما به صلح نرسید

و حتی به تسلیمی هم نرسید.
فرجامش اگر همچو مائو نشد
می توانست همچون چیاو باشد
و ما می توانستیم عکسش را
زینت بخش پناهگاه مان بسازیم.
اما حالا نمی توانیم بسازیم
و نمی خواهیم بسازیم.
ببر هیمالایا
وقتی به جنگل رفت
و خروش رعد آسای نبردش
از دامنه های ایوریست شنیده شد
یافتن پایگاهی در زمین
در نظر ما مجسم شد
و با پیشروی های پیهم بعدی اش
خود مان را آماده فتح آن قله یافتیم
تلاش های پیروزمندش
همه ما را به وجد می آورد
و قوت مان می بخشید.
به شدت فریفته اش بودیم
حتی وقتی راه عوض کرد
و با دلهره هوشدار باشش دادیم
ولی چون با اطمینان می گفت

کماکان میخواید به قله برسید
نتوانستیم کاملاً تکذیبش کنیم
و او را تهنیت و شاد باش گفتیم.
اما اکنون که او را
به روشنی و صراحت
همراه گران و شغالان می بینیم
و مقهور کرگسان و لاشخواران
به " کرن "،
آری به " کرن "
غبنه می خوریم.
" کرن " پس از سی سال نبرد
در راهش جان داد
راهی که انتخاب کرده بود
محکم تر و قویتر از اوجالان
بیگمان راه او راه بنیادین نبود
و او نتوانست پیروز شود
و نمی توانست پیروز شود
اما می توانست و نتوانست
به تسلیمی و انقیاد تن در ندهد
بخاک افتاد
اما پیش دشمنش به سجده نیفتاد.
مگر نه شعار نبرد اینست؟

یا مرگ یا پیروزی!

ببر همالایا

اگر دومی را نمی توانست

کاش اولی را بر می گزید

تا اگر همچو مائو نگشت

همچو سرو بلندش می گشت

و ما می توانستیم عکسش را

زینت بخش پناهگاه مان بسازیم.

اما حالا نمی سازیم

و نمی خواهیم بسازیم.

که په " میوند " کی شهید نه شوی

گرانه لالیه بی ننگی ته دی ساتینه!

جنگجویان بدبخت

نه به پیروزی می رسند

و نه به مرگ دست می یابند

شکست می خورند

و آواره جهان می شوند

و یا به کنج قفس می افتند.

ما خود این بدبختی را

در گذشته تجربه کرده ایم.

و جنگجویان بدبخت تر

ناتوانان از نبرد اند

و ما هم اکنون
این بدبختی مضاعف را
به تجربه نشستہ ایم.
اما بدبخت ترین جنگجویان
بدبختانی اند که
شکست شان را پیروزی
تسلیمی شان را برتری
سر خمی شان را سرفرازی
و انحراف شان را استواری
جا می زنند
و بر خود می بالند.
و بیرهای ما اینگونه گشتند
درس ما از عاقبت شان
و عبرت ما از سرگذشت شان
این است و باید این باشد:
با تواضع تدارک نبرد چیدن
و با تواضع جنگیدن
بدون خود ستایی و بزرگ نمایی
رجز خوانی های قبل از پایان یک نبرد
لافزنی های بیهوده است.
پس از آنکه نبرد به پختگی رسید
و پیروزی به کف آمد
حقیقت همچو آفتاب
با دو انگشت پنهان نخواهد شد.

سر به راه فرار بنهاده
تا بکی از وطن فرار کنیم
بہتر است از فرار، در این خاک
راه سر دادن اختیار کنیم
گر که هم‌راه ما رفیق ره اید
یک قدم راه کج نروید
مادر ما اسیر شیطان است
بہر شیطان کشی بہ حج نروید
دست و پا بسته ایم در زنجیر
چیست آخر بگو گناه ما؟
پاره کن بند و قفل را بشکن
سرخ و پاینده باد راه ما

در این قسمت محفل از رفیق ... می‌خواهم کہ با سخنان شان محفل ما را گرم‌تر سازند.

رفیق ضیاء رهبر خردمند، مرد سنگر با اندیشه و قلم

ما را بہ غیر دوست دیگر انتخاب نیست از دوست هیچ‌گاہ سر اجتناب نیست

جز با کفن ز کوه تو ما پا نمی‌کشیم در شہر ما شکستن سوگند باب نیست

چقدر دردناک و چقدر تکان دهنده بود وقتی کہ صدای نا بہنگام زنگ گوشی را با عجلہ برداشتم. با درد و دریغ خبر در گذشت رفیق بی‌نهایت عزیز، رہبر گران‌مایہ، مردی شیرین سخن زنده یاد رفیق ضیاء را شنیدم، بجای آن کہ فریاد بر آورم، در جای خود خشک، لال، مات و مبهوت ماندم، گوشی از دستم افتاد و دقیایقی بعد بی‌اختیار گریستم. چگونہ و چطور می‌توان باور کرد کہ رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان چہرہ‌ی درخشان و خورشید تابناک را خاک سیاه در آغوش گرفتہ باشد. برای تسلی دلم بہ قلم مراجعہ کردم گفتم در ثنای آن جاودانہ و خورشید فنا ناپذیر چیزی بنویسم، اما قلب سوگوارم نتوانست چیزی بنویسد و حتی یک جملہ و واژہ‌ای کہ در خور نام و شخصیتش باشد بیابد و فقط بہ ہمین جملہ اکتفا نمودم کہ باور کردنی نیست ما را تنہا گذاشتہ و در خاک خفته باشی.

رفیق ضیاء مبارزی فروتن و فارغ از ہر گونه تعصب ملیتی، جنسی، قومی و... بود او لبریز از فصاحت و بلاغت بود و با آن بینش وسیعی قلم می‌زد، قضایای پیچیدہ را

بطور ساده تحلیل می‌نمود و یکی از کسانی بود که در سنگر دفاع از حقیقت یعنی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم ایستاده بود.

رفیق ضیاء از ارتجاع، خشک اندیشان خرافاتی و واپس گرایان فکری، روشن‌فکران ندبه و زاری کن که تن به تسلیمی و تسلیم طلبی داده اند و از کسانی که از راه انقلاب منحرف شده و به زائده دسته‌های پارلمانی تبدیل گردیده اند نفرت داشت.

رفیق ضیاء علیه ظلم و ستم به مبارزه برخاست و زندگی حقیرانه او بیش‌تر از پیش او را در این راه مصمم ساخته بود. زندگی رفیق ضیاء روایت نیست واقعیت است، حکایت نیست، بل که حقیقت است.

رفیق ضیاء در دره‌های سرسبز زادگاهش که پرورش‌گاه دلیرمردان نهضت آزادی و سرفرازی است، ۶۸ سال پیش بدنیا آمد و در آب و هوای گوارای آن دیار پرورش یافت و از بلندی دره‌ها و کوه‌های شامخ، مبارزه با ظلم و ستم، سرفرازی و دورنگری را آموخت. او مرد خرد و اندیشه بود و هر آن‌چه ظاهری و سطحی بود هرگز مشغولش نمی‌داشت.

سال ۱۳۹۳ خورشیدی

سال خاطره آفرین برایم بود، سالی بود که با رفیق ضیاء رهبری توانا و خردمند آشنا شدم. طرز استدلال و صحبت‌های گرمش مرا به شور و هیجان آورد و مرا سخت شیفته او گردانید. در اولین دیدار برایم گفت:

«برای انقلاب کردن به حزب انقلابی نیاز است، حزبی که ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی رهنمای اندیشه و عملش باشد، و پایگاه اصلی‌اش میان پرولتاریا و سایر زحمت‌کشان افغانستان قرار داشته باشد، و از لحاظ تیوری در صف مقدم پرولتاریا و بقیه زحمت‌کشان کشور قرار داشته و متعهد و مصمم در فعالیت‌های عملی مبارزاتی این خط را قاطعانه به پیش هدایت نماید»

این گفته رفیق ضیاء همیشه در گوشم طنین انداز است.

بجاست تا قسمتی از دست‌آوردهای فکری و سیاسی وادی این بزرگ‌مرد تاریخ را که با مسایل گوناگون ملی و بین‌المللی گره خورده است بطور فشرده بیان نمایم تا که مشعل رهنمایی برای نسل آینده کشور باشد.

۱ - رفیق ضیاء از سال ۱۳۶۰ خورشیدی به این طرف یکی از پیش‌گامان مبارزه با تسلیم‌طلبی ملی و طبقاتی در درون "ساما" است.

۲ - رفیق ضیاء در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ خورشیدی خط رفیق اکرم را از زیر آوار بیرون نمود و تکاملش داد و به تعقیب آن "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان"

را بنیان‌گذاری نمود و بعد آن را به "سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان" ارتقا داد، و بالاخره "حزب کمونیست افغانستان" را بعنوان حزب پیش‌آهنگ طبقه پرولتاریا در افغانستان بنیان‌گذاری نمود.

۳ - رفیق ضیاء بعد از اشغال افغانستان توسط اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیسم اشغال‌گر امریکا نیاز عاجل مبارزاتی کشور را درک نمود و در راه وحدت مائوئیست‌های افغانستان گام به جلو گذاشت. بعد از سپری نمودن پروسه وحدت با دو تشکیل دیگر بالاخره حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را با رفقای هم‌رزمش بنیان‌گذاری نمود.

۴ - رفیق ضیاء برای ترسیم خط ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خدمات ارزشمندی انجام داد، و اعضای حزب را در این مسیر به خوبی رهنمائی و آبدیده نمود.

۵ - بزرگ‌ترین خدمت رفیق ضیاء برای پرولتاریای افغانستان و جهان این بود: قبل از این‌که رویونیسم "سنتزهای نوین" در میان جنبش انقلابی انترناسیونالیستی جا باز کند علیه آن به مبارزه برخاست

و خطر این رویزیونیزم که در حال تکوین بود افشاء نمود. فرستاد. را با طرح پیشنهادی حزب به جلسه فرستاد. یافت.

۶ - رفیق ضیاء برای احیاء و یا ایجاد مجدد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی تلاش فراوان نمود و در تمام جلسات احزاب مائوئیست نماینده حزب رفیق ضیاء تا توانست از ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی که رهنمای اندیشه و عمل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است دفاع نمود. همین تصمیم و پایداری

اوبود که در فرصت نه چندان دور به قله‌های افتخار راستین دست یافت.

اگر دست بی‌دادگر مرگ امانش می‌داد بیش‌تر از این همه می‌توانست بگوید، بیافریند و تکاملش دهد.

باور نکردنی است که در خاک خفته باشی

ای یار! ای رفیق! ای مرد کارزار!

ای رهبر عزیز!

ای برترین مبارز دوران!

ای پیر پیش‌کسوت آزادی!

ای روح راستین!

ای جان‌پناه لحظه‌اندوه مرد و زن!

اکنون چه وقت سوگ

حالا چرا؟

اکنون چه گاه رفتن و تنها گذاشتن است

نستوه روزگار

اکنون نهال تنومند انقلاب

تک واژه‌های گرم ترا خواهد سرود

ای شیر بیشه‌آزادی!

در بی کران دشت حقیقت

خاموشی ات زچيست

با قدرت وجود تو ای مرد نازنین

بهتر توان گذشت، بهتر توان رسید

مشکل گشای خلق ستم دیده

ما را میان راه، تنها نهاد و رفت

ای سنبل شجاعت و ایثار!

ای شمع انقلاب سوگند خورده ایم

تا راهت را ادامه دهیم

راهت ادامه دارد

ما نسل جنبشیم، ما زیر بار زور

ما زیر بار زر، ما زیر چتر تذویر

هرگز نمی رویم

ای ارتجاع بدان

ما را اگر بیاد نداری

در آبی سحر در سرخی شفق

به تماشا بایستید.

باور نکردنی است که در خاک خفته باشی

ای یار! ای رفیق! ای مرد کارزار!

ای رهبر عزیز!

ای برترین مبارز دوران!

ای پیر پیش کسوت آزادی!

ای روح راستین!

ای جان پناه لحظه اندوه مرد و زن!

اکنون چه وقت سوگ

حالا چرا؟

اکنون چه گاه رفتن و تنها گذاشتن است

نستوه روزگار

در این قسمت محفل از رفیق هم‌رزمان بانو ... می‌خواهم مقاله خود را بخوانش بگیرد.

متن تحریری خانم

رفیق ضیاء فنا ناپذیر گردید

در ره میهن قدم بگذاشتم

دست از جان و سرم برداشتم

تا به دل تخم وفا را کاشتم

این چنین گلگون شعار افراشتم:

هر که سازش می‌کند نفرین به او!

طوری که من رفیق ضیاء را از نزدیک می‌شناختم او رهبر خردمند و توانا و در برخوردهایش بی نهایت صمیمی و دوست داشتنی بود.

« ... ۴ - جنبش مبارزاتی زنان، چنانچه خواهد دور نمای نابودی کامل ستم بر زنان و سرنگونی کامل شوونیزم مردسالار را نصبالعین خود قرار دهد، باید به مثابه بخششی از مبارزه برای سرنگونی کامل نظام استثمارگرانه و ستمگرانه موجود و برقراری یک نظام عادلانه‌ای که جهت‌گیری‌اش به سوی رفع هر گونه استثمار و ستم باشد، پیش برده شود. ازین جهت جنبش مبارزاتی زنان باید در پیوند فشرده و ارتباط متقابل تنگاتنگ با مبارزات طبقاتی زحمت‌کشان علیه استثمار طبقاتی و مبارزه علیه ستم ملی شوونستی قرار داشته باشد.

۵ - تجارب بدست آمده در طول هشتاد سال اخیر در افغانستان نشان داده است که جنبش زنان تا زمانی که از بالا دامن زده شود و قشر کوچکی از زنان را در بر بگیرد، سود چندانی برای توده‌های زنان نخواهد داشت و وضعیت آن‌ها را اساساً تغییر نخواهد داد. ازین جهت کاملاً لازم است که برای توده‌یی ساختن جنبش مبارزاتی زنان تلاش و کوشش مستمر و پی‌گیر به عمل آید. جنبش مبارزاتی زنان نباید صرفاً یک جنبش مبارزاتی روشن‌فکرانه باقی بماند بل که کاملاً لازم است که به یک جنبش مبارزاتی توده‌یی، که خیل عظیم زنان زحمت‌کش را آگاهی دهد و آنان را بسیج و سازماندهی نماید، مبدل گردد.

۶ - جنبش مبارزاتی زنان افغانستان باید در پیوند فشرده با جنبش‌های مبارزاتی زنان سائر کشورهای جهان، بخصوص زنان کشورهای منطقه، پیش برده شود. جنبش‌های مبارزاتی زنان در کشورهای مختلف، بخصوص کشورهای منطقه، باید متقابلاً هم‌دیگر را حمایت و تقویت نمایند. این حمایت و تقویت متقابل هم جنبش مبارزاتی زنان در داخل این کشورها و هم حرکت‌های مبارزاتی خارج کشوری زنان این کشورها را در بر بگیرد.

با توجه به تمامی وظایف مبارزاتی مطرح شده در فوق،

رفیق ضیاء، شخصیتی نادر، رفیقی صمیمی، رفیقی متعهد به کمونیزم و رفیقی که چهل سال زندگی حرفه‌ای خود را نه تنها وقف مبارزه برای آزادی طبقه کارگر و توده‌های ستم‌کش افغانستان نمود، بل که در سطح جنبش بین‌المللی کمونیستی به خوبی درخشید.

رفیق ضیاء اولین شخصیت مائوئیستی بود که رویونیوم "سنتزهای نوین" را درک نمود و به مبارزه جدی و پی‌گیر علیه رویونیوم "سنتزهای نوین" و دنباله روانان شان پرداخت و از مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم بدفاع برخاست و از دست آورده‌های آن دفاع نمود. او این خط رویونیومی را در سطح جهان به چالش کشید و به جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی جهان معرفی نمود. این مبارزه در سطح بین‌المللی اتوریته او را بیش‌تر از پیش بالا برد.

زمانی که رفیق ضیاء و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مبارزات خویش را علیه "سنتزهای نوین" آواکیان آغاز نمودند، احزاب مائوئیست جهان هنوز به انحراف عمیق ایدئولوژیک - سیاسی آواکیان پی نبرده بودند، حتی رفیق اجیت مبارزه رفیق ضیاء علیه "سنتزهای نوین" را قبل از وقت می‌دانست. بعد از مدت طولانی و تحقیقات احزاب مائوئیست، آن‌ها به شمول رفیق اجیت به این نتیجه رسیدند که مبارزه رفیق ضیاء و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان علیه "سنتزهای نوین" آواکیان درست و اصولی بوده و به طرز شایسته‌ای از مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم دفاع شده است. حتی رفیق اجیت از رفیق ضیاء و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خواست که در پیشوند پسا مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم کلمه رویونیوم را نیز بکار برند.

در مدت چند سالی که رفیق ضیاء را می‌شناختم او نه تنها به آزادی طبقه کارگر و بقیه زحمت‌کشان کشور می‌اندیشید، بل که همیشه به فکر جلوه‌های ستم بر زنان بود. او بما آموزش می‌داد که:

روشن است که یکی از وظایف مهم جنبش انقلابی داخل افغانستان و همچنان دسته‌های انقلابی خارج کشوری افغانستان، تقویت جنبش مبارزاتی زنان، به مثابه یک جنبش مستقل مبارزاتی است. اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولو این که نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده، یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغال‌گران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه‌یی در نظر گرفته شود.»

این بود موضوع رفیق ضیاء در مورد جنبش انقلابی زنان و رهایی شان از چنگال ستم در افغانستان و جهان.

امروز ما بخوبی آگاهیم که زن برده خانگی است، شکنجه و توهین و حتی کشتن او نه تنها هیچ سوالی در پی ندارد بل که غرور و غیبت مردان به حساب می‌آید. بناءً باید جلوه‌های گوناگون ستم را افشا نمود، و باید نقاب کذب را از چهره ستم‌گران برداشت. مبارزات انقلابی زنان باید طبق رهنمون رفیق ضیاء در خدمت این افشاگری تا سرنگونی قهری کامل این نظام ستم‌گرانه و استثمارگرانه قرار داشته و به پیش رود.

رفیق ضیاء زنان را چنین مورد خطاب قرار می‌داد:

«ای زن! ای نیمی از پیکره جامعه انسانی! می‌دانیم که بر تو چه گذشته است و چه می‌گذرد! هیچ فراموش نکرده ایم و نمی‌کنیم و از همین رو است که می‌گوییم: مرگ بر این چنین نظام و باور و فرهنگ که انسان را این‌گونه به بند می‌کشد. از همین رو است که فریاد می‌کشیم:

ای اندیشه‌های آگاه، ای چشم‌مان
بینا، ای وجدان‌هایی که نمرده‌اید، ای

صداهایی که خفه نشده‌اید! بر علیه این تبعیض، بر علیه این توهین به انسانیت، بخروشید و زمین و زمان را به هم زنید! بر خیزید و سر به عصیان بگذارید! اگر اسارت را بپذیرید، نا انسان‌ها، انسانیت انسان را هم چنان در بند نگه خواهند داشت.»

نقش و شخصیت رفیق ضیاء در مبارزه زنان علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده و انواع گوناگون ستم چقدر با اهمیت و با ارزش بود.

با تاجر و انبوه فراوان، که ما در چنین شرایط حساس کشور چنین رهبر فرزانه را از دست دادیم و در سوگ بزرگ‌ترین راد مرد تاریخ نشستیم. بطور دقیق می‌دانم که پر نمودن جای خالی رفیق ضیاء به زودی ممکن نخواهد بود.

یاد و خاطره اش گرامی باد.

بلی رفقا ما بخوبی به یاد داریم که رفیق ضیاء لحظه از ستم بر زن غافل نبود و همیشه به زنان و مردان انقلابی می‌آموخت که «خشم زنان را در راه انقلاب رها کنید» او همیشه می‌گفت که زنان نیم پیکر جامعه اند، در انقلاب سهم به سزایی دارند. بدون نیم پیکر جامعه نمی‌توان انقلاب نمود و زنجیرهای ستم را پاره کرد. او همیشه فریاد می‌زد «ای اندیشه‌های آگاه، ای چشمان بینا، ای وجدان‌های که هنوز نمرده‌اید! بر علیه تبعیضات جنسی، بر علیه توهین به انسانیت، بخروشید و زمین و زمان را به هم زنید! بر خیزید و سر به عصیان بگذارید! اگر اسارت را به پذیرید، نا انسان‌ها، انسانیت انسان را هم چنان در بند نگه خواهند داشت»

حال از رفیق ... می‌خواهم تا شعری را که تهیه نموده دکلمه نماید.

متن سخنرانی

اکنون من وظیفه و مکلفیت خود می‌دانم تا زمانی که توان دارم با تلاش و جدیت بیش‌تر خط مائوئیستی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را که توسط رفیق ضیاء و رفقای هم‌رزمش بنیان گذاری شده ادامه دهم.

رفقا!

شعری که همین اکنون می‌خواهم به سمع شما برسانم، سروده است از رفقای اتریش که در سوگ رفیق ضیا سروده اند.

نمایم. نخست مراتب تسلیت و تاثرات عمیق خود را که قلم و زبان از بیان آن عاجز می‌باشد خدمت همه رفقای حزب، همه مائوئیست‌ها و خانواده رفیق ضیاء تقدیم می‌دارم.

قابل یاد آوری می‌دانم این‌که هرگاه رفیقی را از دست دادیم، رفیق ضیاء با آن‌که بیش از حد متاثر می‌گردید یاد آور می‌شد که:

«گرچه فقدان رفیق از دست رفته ضایعه بزرگی در حزب ماست، اما این ضایعه مرا مصمم‌تر از قبل می‌سازد تا بهتر و بیشتر خط مائوئیستی حزب را ادامه بدهم»

رفقا!

قبل از همه درودهای گرم نثار شما باد از این‌که در محفل یاد بود رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان اشتراک نمودید حضور گرم تان را خیر مقدم می‌گوییم.

ممنونم از این‌که از جانب رفقا به من اجازه داده شده تا در این یاد بود که به مناسبت درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برگزار گردیده است، اشتراک

در سوگ رفیق ضیاء

چراغ خانه ما گشت خاموش

ضیاء با خاک شد آخر هم آغوش

رفیق جان برابر، فرد دلسوز

عجل بر جان عاشق شد پیروز

او شمع حزب ما بود، مرد دانا

خردمند و مبارز، پیر برنا

غم و اندوه گرفت روح و روانم

بسوزاند تمام استخوانم

رفیقان عزیز و یاورانش

پریشان اند تمام رهروانش

گران است مرگ وی، آوخ درد!!
 چون سنگین هندوکش و کوه بابا!
 روانش شعله ور بر کاروان بادا!
 چراغ رهنمای رهروان بادا!
 همیشه خاطراتش زنده بادا!
 نیکو نام و بلند فرخنده بادا!
 گرمی باد یادش ای رفیقان!
 تلاش کار و افکارش درخشان
 بیا با هم شویم ما از دل و جان
 به حزب آن سرو خرامان
 قوی و متحد باشیم خروشان
 به مانند ضیاء دایم فروزان
 برای تک تک اعضای فامیل
 غم تان کم و دردها باد زایل!
 همه با هم شریک درد و رنجیم
 سوار کشتی بر امواج سردیم
 همین است راه و رسم و آب و دانه
 ضیاء شد در دل خاک جاودانه
 ره سرخش خروشان باد دائم
 روانش شاد و حزبش باد قائم.

جنگجویان بد بخت
 نه به پیروزی می رسند
 و نه به مرگ دست می یابند
 شکست می خورند
 و آواره جهان می شوند
 و یا به کنج قفس می افتند.
 ما خود این بدبختی را
 در گذشته تجربه کرده ایم.
 و جنگجویان بد بخت تر
 ناتوانان از نبرد اند
 و ما هم اکنون
 این بدبختی مضاعف را
 به تجربه نشستہ ایم.
 اما بدبخت ترین جنگجویان
 بدبختانی اند که
 شکست شان را پیروزی
 تسلیمی شان را برتری
 سر خمی شان را سرفرازی
 و انحراف شان را استواری
 جا می زنند
 و بر خود میبالند.
 و ببر های ما اینگونه گشتند
 حالا از رفیق ... می خواهیم که با سخنانش به گرمی محفل ما بیفزاید.

متن سخنرانی رفیق ...

در محفل یاد بود زنده یاد رفیق ضیاء

رفقا!

درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای حزب ما و جنبش مائوئیستی و ملیت‌های تحت ستم کشور و هم چنین پرولتاریای بین‌المللی و جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) جهان یک ضایعه بزرگ بوده و می‌باشد. با کمال تأسف که خلق ستم‌دیده کشور رهبر خردمند و توانای خود را از دست داد.

این ضایعه بزرگ جنبش مائوئیستی کشور و جهان را در حزن و اندوه فراوان فرو برد. ما این موضوع را بعد از درگذشت رفیق ضیاء بخوبی درک نمودیم. حین که اطلاعیه درگذشت رفیق ضیاء در سایت شعله جاوید انتشار یافت، تمامی احزاب و سازمان‌های مائوئیست افغانستان و جهان با ارسال پیام‌های تسلیت درگذشت رفیق ضیاء را ضایعه بزرگ و غیر قابل سنجش در جنبش مائوئیستی افغانستان و جهان دانسته و با حزن و اندوه فراوان غم شریکی خود را با حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و خانواده رفیق ضیاء ابراز نمودند.

رفیق ضیاء در ایام جوانی جز به رهایی خلق ستم‌دیده کشور از زنجیر ستم به چیز دیگری فکر نمی‌کرد. او در دوره ستم‌شاهی و جمهوری داودخان به مبارزه برخاست، مبارزاتش در این زمان مخلوطی از افکار انقلابی و اسلامی بود.

رفیق ضیاء به گروه زنده یاد مجید کلکانی پیوست. بعد از تشکیل "ساما" بعنوان مسئول بخش غرجستان تعیین گردید و در منطقه، مبارزات مسلحانه را علیه رژیم فاشیستی و مزدور "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" شروع نمود و بعد از اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم "شوروی" لحظه‌ای درنگ ننمود و جنگ مقاومت را در منطقه علیه اشغال‌گران سوسیال امپریالیزم و رژیم دست‌نشانده‌شان ادامه داد.

گروپ مسلح به فرماندهی رفیق ضیاء اولین گروپ مستقل "ساما" بود که جنگ مقاومت علیه اشغال‌گران سوسیال امپریالیست و رژیم پوشالی را تا زمان انشعاب از "ساما" بطور مستقل رهبری نمود و به پیش برد، و تحت رهبری هیچ یک از احزاب جهادی قرار نداشت.

او در طول این دوره مبارزات مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم (در آن وقت مائوتسه

دون اندیشه) را فرا گرفت. او با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص و تفکیک تضاد عمده از تضاد اساسی و هم چنین تفکیک تضاد عمده و غیر عمده مبارزاتش را بخوبی به پیش برد.

زمانی که تسلیم طلبی در درون "ساما" آغاز گردید، او مبارزاتش را علیه تسلیم‌طلبی ملی و طبقاتی در درون "ساما" شروع نمود، تسلیم شدن "سامائی" های بخش کوه‌دامن به رژیم پوشالی باعث تشکیل غنند گردید که در راس آن سنگین قرار داشت و به نام غنند سنگین مسمی شد.

او علیه تسلیم‌طلبی ملی و طبقاتی "ساما" جداً ایستاد و مبارزاتش را بدرستی به پیش برد. مبارزات جدی و پی‌گیر او علیه تسلیم‌طلبی ملی و طبقاتی در درون "ساما" سبب شد تا مسئولیت "کمیته تحقیق و بررسی تسلیم‌طلبی" به رفیق ضیاء واگذار گردد. هنوز این بررسی به پایان نرسیده بود که هیئت ۱۲ نفری "ساما" به چین رویزونیستی سفر نمود، بعد از

نشست با رویزیونیست‌های سه‌جهانی هیئت متذکره تیوری سه جهان را پذیرفتند. رویزیونیست‌ها چین به هیئت "ساما" ابلاغ نمودند که اولاً شما در داخل کشور مشکلات خود را با "سازمان رهایی افغانستان" حل نمائید و ثانیاً، باید مسئول نظامی "ساما" با رهبر سازمان به چین سفر نمایند.

رفیق ضیاء حین مطلع شدن از این موضوع، به صفت مسئول نظامی "ساما" نه تنها حاضر نشد که به چین سفر نماید، بل که با پذیرفتن تیوری سه جهان و ادغام با "سازمان رهایی افغانستان" بعنوان یک سازمان رویزیونیستی به مخالفت پرداخت و مبارزاتش را در درون "ساما" بطور احسن و اصولی به پیش برد و رهبری تسلیم طلب را به مبارزه طلبید.

رفیق ضیاء بدرستی درک نموده بود که "ساما" یک سازمان آزادی‌بخش است و به تیوری‌های مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی اعتقادی ندارد و دنباله رو جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است، و مبارزه در درون "ساما" نتیجه بخش نیست، از "ساما" انشعب نمود و "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان" را بنیان‌گذاری نمود، که بعداً به "سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان" ارتقاء یافت.

انشعب رفیق ضیاء باعث گردید که رابطه چین با "ساما" قطع شود و "ساما" از کمک چند میلیون دالری رویزیونیست‌های چین محروم گردد. این مسئله باعث خشم رهبری تسلیم طلب گردید و با اتهام زنی‌های بی‌مورد و فحاشی‌های رکیک علیه رفیق ضیاء هم خرسند نگردیدند، بالاخره به قصد ترورش بالای خانه رفیق ضیاء حمله نمودند. خوشبختانه که رفیق ضیاء هنگام حمله خانه نبود ورنه کشته می‌شد، اما تفنگ بدستان تسلیم شده اموال خانه‌اش را غارت کردند.

رفیق ضیاء با الهام‌گیری از انقلاب کبیر فرهنگی در چین تحت رهبری مائوتسه دون و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و جنگ خلق در پیرو به تکامل خط رفیق اکرم پرداخت و درین مسیر "حزب کمونیست افغانستان" را بنیان‌گذاری نمود، در تاریخ افغانستان برای اولین بار طبقه کارگر از حزب پیش‌آهنگ خود برخوردار گردید. افتخار این تکامل کیفی جنبش کمونیستی افغانستان و تاسیس حزب کمونیست متعلق به رفیق ضیاء است.

رفیق ضیاء از زمان بنیان‌گذاری "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان"، "سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان" و "حزب کمونیست افغانستان" در راس رهبری هر سه تشکیل قرار داشت و مبارزاتش را علیه تسلیم‌طلبی ملی و طبقاتی "ساما" بخوبی انجام داد. برای دریافت این واقعیت تاریخی می‌توان به "مجموعه اسناد تاریخی

بخش غرجستان "ساما"، هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان، سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان و حزب کمونیست افغانستان" در سایت شعله جاوید مراجعه نمائید.

زمانی که اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا در افغانستان تجاوز نمودند و کشور را به اشغال‌شان در آوردند، رفیق ضیاء با پخش اعلامیه‌ای این تجاوز و اشغال‌گری را محکوم نمود و خواهان وحدت همه مائوئیست‌های کشور برای مبارزه مشترک علیه اشغال‌گران امپریالیست گردید.

"سازمان پیکار برای نجات افغانستان" و "اتحاد انقلابی کارگران افغانستان" به اعلامیه "حزب کمونیست افغانستان" پاسخ مثبت دادند. هر سه تشکیل متذکره در یک نشست رویاروی به بحث‌های ایدئولوژیک - سیاسی پرداختند و سه روز این جلسه ادامه یافت. این جلسه زمانی دایر گردید که لویه جرگه اضطراری تحت لوای اشغال‌گران امپریالیست جریان داشت. در ختم جلسه هر سه تشکیل موافقت به اعلامیه مشترک علیه اشغال‌گران امپریالیست و لوی جرگه اضطراری نمودند. رفیق ضیاء مسئولیت نوشتن اعلامیه

را به عهده گرفت. در ختم جلسه مشترک، رفیق ضیاء برای حل اختلافات، پروسه وحدت جنبش کمونیستی افغانستان را پیش نهاد نمود، دو تشکیل دیگر به این پیش نهاد رای مثبت دادند.

پروسه وحدت جنبش کمونیستی افغانستان دو نیم سال ادامه یافت و بالاخره بعد از دو نیم سال منجر به کنگره وحدت جنبش کمونیستی افغانستان و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید، و رفیق ضیاء به اتفاق آراء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برگزیده شد. او هم چنین در کنگره دوم نیز به اتفاق آراء این سمت را از آن خود ساخت و تا زمانی که بدرود حیات گفت حزب را بدرستی رهبری نمود.

شخصیت رفیق ضیاء و طرز استدلال او بقدری بر من تاثیر داشت که از ابتدای آشنایی تا کنون تحت تاثیر استدلال او قرار داشتم. در طول این مدت اطمینان حاصل نمودم که با یک شخصیت فوق العاده‌ای سروکار دارم. در حقیقت او معلم خوبی برای رهنمایی ام در مبارزات کمونیستی بود. در این مدت بسیاری مسایل ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی را از وی آموختم.

زمانی که اساس نامه و بیانیه حزب کمونیست انقلابی امریکا به دسترس حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قرار گرفت، رفیق ضیاء بیانیه و اساس نامه را پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بررسی نمود و این مسئله یکی از اجندای پولینوم چهارم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بود.

بعد از پولینوم چهارم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، دفتر سیاسی حزب، پیش نهاد سیمینار حزبی را نمود که از طرف کمیته مرکزی پذیرفته شد و سیمینار حزبی در جوزای ۱۳۹۰ خورشیدی مطابق جون ۲۰۱۱ میلادی دایر گردید.

نطقی که رفیق ضیاء در سیمینار حزبی پیرامون دو موضوع (رویزیونیزم پسا مارکسیستی - لنینیستی و مائوئیستی و سبک کار حزبی را اصلاح کنیم) ایراد نمود بسیار جالب توجه بود. خوشبختانه که هر دو نطق رفیق ضیاء موجود است. یکی در ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و دیگری در کتاب "رویزیونیزم پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان جای ندارد" به نشر رسیده و در سایت شعله جاوید موجود است.

نطق رفیق ضیاء در سیمینار حزبی بسیار جالب توجه بود که تمام اعضای شرکت کننده در سیمینار را به شور و هیجان آورده بود. رفیق ضیاء نیروی فوق العاده برای اقناع طرف مقابل داشت. او

بدون تظاهر و ژست‌های سرگیجه آور استدلال می نمود. این طرز استدلال او مستمعین را عمیقاً مسحور می نمود. وقتی کسی با او می نشست و به بحث می پرداخت به یک نتیجه منطقی می رسید.

او هر زمانی که مورد تهمت، افتراء و فحاشی قرار می گرفت با لحن بسیار آرام می گفت فحاشی مبارزه نیست، نباید در مبارزات سیاسی به تهمت و افتراء متکی شد، بل که باید از روی اسناد و مدارک و اصول مائوئیستی پاسخ ارائه نمود. او از روشن فکر ندبه و زاری کن نفرت داشت و بما می گفت چون حق با ماست، باید به نیروی خویش ایمان داشت، باید به اصول مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم پابند بود و باید به پیروزی ایمان داشت. او همیشه بما گوشزد می نمود که «سیاست مائوئیستی یگانه سیاست صحیح است».

رفیق ضیاء به خوبی درک میکرد که تسلیم شدگان و تسلیم طلبان به اصطلاح چپ هنوز در میان نسل جوان و توده‌ها ریشه دارند. او علیه تسلیم شدگان و تسلیم طلبان با تدبیر مبارزه نمود و از این طریق هویت سیاسی شان را بخوبی آشکار نمود، و این مبارزه را بخوبی پیش برد.

رفیق ضیاء هوشیارانه نیروهای

سیاسی در کشور را مورد سنجش قرار می‌داد و حزب را از اثرات منفی شان بر حذر می‌داشت. همین سنجش هوشیارانه او بود که نیروی حریفان سیاسی را دست کم نگرفت.

در تاریخ حزب ما مواردی پیش می‌آمد که منافع آنی با منافع پرولتاریا و خلق‌های زحمت‌کش تصادم می‌کرد، در چنین شرایطی رفیق ضیاء بدون تردید به طرفداری از اصول اساسی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی به مبارزه می‌پرداخت. او هیچ‌گاه ترس از این نداشت که در مبارزه درون حزبی در اقلیت بماند. تاریخ این مسئله را بخوبی ثابت ساخته است.

رفیق ضیاء در طول دوران رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بخوبی ثابت نمود که او یک رهبر عادی حزب نبود، بل که موجود واقعی آنست. او نه تنها با انحرافات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی، تسلیمی و تسلیم طلبی در داخل افغانستان مبارزه نمود، بل که با انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی دست و پنجه نرم نمود. او اولین شخصیت انقلابی مائوئیستی است که علیه "سنتزهای نوین" آواکیان ایستاد و رویزیونیزم نهفته در درون "سنتزهای نوین" را افشا

نمود و از مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم بدفاع برخاست و حزب را در این مسیر بدرستی رهبری نمود. در آن موقع شاید عده‌ای زیادی از مائوئیست‌ها به زحمت حدس می‌زدند که نقشه آواکیان علاوه بر این که در جهان تخیلی است، در عین حال متضمن کارهای تبلیغی وسیعی علیه مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم است که توسط او طراحی گردیده تا پرولتاریا را از حزب مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی محروم ساخته و آن‌ها را بکام لیبرالیزم فرو برد.

بزرگ‌ترین خدمت رفیق ضیاء برای پرولتاریای افغانستان و جهان عبارت بود: از همان لحظه‌ای که "نقشه" آواکیان در حال تکوین بود، خط "سنتزهای نوین" را آشکار نمود و پس از آشکار نمودن آن حمله بی‌امان علیه رویزیونیزم "سنتزهای نوین" آواکیان را آغاز نمود و توجه تمامی مائوئیست‌های جهان و بخصوص کمیته مرکزی و اعضای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را روی این مسئله متمرکز نمود.

رفیق ضیاء بخوبی می‌دانست که بعد از مرگ انگلس احزاب سوسیال دموکرات اروپا، بعد از مرگ استالین رویزیونیزم‌های معاصر و بعد از مرگ مائوتسه دون رویزیونیزم‌های سه جهانی از احزاب انقلابی جهانی به احزاب طرفدار "اصلاحات اجتماعی" تبدیل شدند و هر یک از این احزاب از نیروی رهبری کننده انقلابی به زائده دسته‌های پارلمانی تبدیل گردیدند.

بر مبنای همین دید انقلابی بود که رفیق ضیاء قبل از این که "سنتزهای نوین" در میان جنبش انقلابی انترناسیونالیستی جای پا باز کند به مبارزه برخاست و چهره رویزیونیزم را بر ملا ساخت.

او رهبر عالی بود که در مبارزه با انحرافات، انواع و اشکال رویزیونیزم، اپورتونیزم، اکونومیسم، فرمیزم، تسلیمی و تسلیم طلبی ترس بخود راه نداد و با کمال شجاعت این مبارزه را به پیش برد و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در این مسیر رهبری نمود.

رفیق ضیاء شجاعانه و بی‌باکانه نقطه نظرات نادرست رفقای حزبی را مورد انتقاد قرار می‌داد و نقشه کارهای حزبی را در آینده بدرستی تشریح می‌نمود. این رفیق ضیاء بود که در مورد پیچیده‌ترین قضایا بطور ساده و صریح چیزی می‌نوشت.

رفیق ضیاء بزرگ‌ترین متفکر، رهبر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و خلق‌های ستم‌دیده کشور بود که در مبارزه رهبری نترس بود.

یکی از خصلت‌های به اصطلاح رجال بزرگ سیاسی این است که در جلسات دیرتر از همه

می آیند، تا مردم با بی قراری انتظار بکشند و حین آمدنش همه به پا خیزند، اما رفیق ضیاء هرگز از چنین خصلتی برخوردار نبود و از این خصلت مبرا بود. او از همه زودتر به جلسه حاضر می شد و با افرادی که در جلسه می آمدند به گفت و شنود می پرداخت.

رفیق ضیاء هرگز نمی خواست مقام عالی خود را به رخ کسی بکشد. این یکی از قوی ترین خصلت های رفیق ضیاء بمثابه یک

رهبر خردمند و توانا برای رفقای حزبی و توده ها بود. خصوصیت دیگر رفیق ضیاء ایمان به نیروی خلاق توده ها بود. رفیق ضیاء بخوبی استعداد آن را داشت و پیش بین حوادث بود. این خصلت وی به او کمک می کرد که برای رهنمایی رفقای حزبی و توده های ستم دیده خط مشی صحیح ترسیم نماید. او در بین توده های کشور زیست و در بین آنان بدرود حیات گفت.

رفقا! ما امروز در این جا جمع شده ایم تا به صدای بلند فریاد زنیم و بگوییم:

رفیق ضیاء!

به حزب پیش آهنگ طبقه کارگر انقلابی که توسط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری شما ترسیم شده سوگند یاد می کنیم که این خط انقلابی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) را تا آخر به پیش برده و وحدت حزب را همچون مردمک چشم خود حفظ نمائیم.

یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد
۲۰ سرطان ۱۳۹۹ خورشیدی

سپاس از رفیق گرامی مان!

بلی رفقا «رفیق ضیاء هوشیارانه قوای حریف را مورد سنجش قرار می داد و حزب را از حوادث غیر مترقبه بر حذر می داشت. همین سنجش هوشیارانه او بود که هرگز به نیروی خود پر بهاء نداد و نیروی حریف را دست کم نگرفت. در تاریخ حزب ما مواردی پیش می آمد که منافع آنی با منافع پرولتاریا و خلق های زحمت کش تصادم می کرد، در چنین شرایطی رفیق ضیاء بدون تردید به طرفداری از اصول اساسی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی به مبارزه می پرداخت. او هیچ گاه وحشت از این نداشت که در مبارزه در اقلیت بماند. زمانی که در اقلیت بود از تهاجم ایدئولوژیک - سیاسی بر حریف صرف نظر نمی کرد. تاریخ این مسئله را بخوبی ثابت ساخته است.

رفیق ضیاء در طول دوران رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بخوبی ثابت نمود که او یک رهبر عادی حزب نبود، بل که موجد واقعی آنست. او نه تنها با انحرافات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی، تسلیمی و تسلیم طلبی در داخل افغانستان مبارزه نمود، بل که با انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی دست و پنجه نرم نمود. او اولین شخصیت انقلابی مائوئیستی است که علیه "سنتزهای نوین" آواکیان ایستاد و رویزیونیسم نهفته در درون "سنتزهای نوین" را افشا نمود و از مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم بدفاع برخاست و حزب را در این مسیر بدرستی رهبری نمود. در آن موقع شاید عده ای زیادی از مائوئیست ها به زحمت حدس می زدند که نقشه آواکیان علاوه بر این که در جهان تخیلی است، در عین حال متضمن کارهای تبلیغی و سیعی علیه مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم است که توسط او طراحی گردیده تا پرولتاریا را از حزب مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی محروم ساخته و آن ها را بکام لیبرالیزم فرو برد.»

حالا از رفیق همرزمان بانو داکتر ... می خواهیم آن چه را که تهیه دیده اند به سمع تان برساند.

متن سخنرانی بانو داکتر.....

من هم به نوبه خود یاد و خاطره رفیق ضیاء را گرامی می‌دارم.

رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، یک رهبر خردمند و توانا بود. او با اعضای حزب و توده‌ها بسیار صمیمی بود، او در برخوردهایش متواضع و فروتن، و بر اصول بی‌نهایت جدی بود. او همیشه می‌گفت:

«با اشغال افغانستان مردمان کشور از آزادی محروم گردیده و استقلال کشور را از دست داده اند. برای استقلال کشور و آزادی مردمان کشور باید با جدیت مبارزه نمود. زیرا مبارزه علیه اشغال‌گران از عمده‌گی برخوردار است، اما این بدان معنی نیست

که ما تضاد غیرعمده و بقیه تضادها را از نظر دور بداریم و علیه آن مبارزه نکنیم.

امروز در جامعه ما دو تضاد بزرگ دیگر نیز وجود دارد که نه می‌توان آن‌را نادیده گرفت و نه می‌توان آن‌ها را ماکول به بعد نمود و به حاشیه راند. همان‌طوری که مبارزه علیه تضاد غیرعمده را در تابعیت از تضاد عمده به پیش می‌بریم، مبارزه علیه دو تضاد بزرگ دیگر یعنی تضاد جنسیتی و تضاد ملیتی را نیز در تابعیت از تضاد عمده پیش خواهیم برد. ما نمی‌توانیم این دو تضاد را از نظر بیاندازیم و یا این‌که در حاشیه برانیم. او همیشه این نقل قول مائوتسه دون را یاد آور می‌شد:

«تا زمانی که یک زن در جهان اسیر باشد، هیچ‌کس به آزادی نخواهد رسید»

او به ما همیشه یادآور می‌شد که باید با جدیت علیه ستم امپریالیستی که افغانستان را اشغال نموده مبارزه نمود و در تابعیت از این تضاد مبارزه علیه ستم جنسیتی را نیز به پیش برد. این صحبت‌های رفیق ضیاء همیشه آویزه گوشم خواهد بود و در جهت مبارزه علیه اشغال‌گران و رژیم پوشالی لحظه‌ای درنگ نخواهم کرد و در تابعیت از این مبارزه علیه ستم جنسیتی و ملیتی نیز مبارزات را پیش خواهم برد.

حال قطعه شعری را خدمت‌تان تقدیم می‌نمایم.

« آنهایی که در خانه می‌گیرند

و اشک‌های شان را

همچون زنجیری گران بر گردن آویخته اند

با ما نیایند.

آنها که در پوست دل خود زندگی می‌کنند

ما را دنبال نکنند!

در اینجا:

میلیون‌ها قلب سرخ

در آتشی

که از خورشید فرو می‌افتد

می سوزند!
 تو نیز قلب از سینه برون آر
 به درون آتشی
 که از خورشید می افتد
 بیفکن
 قلبت را کنار قلبمان بیفکن!
 شبیخون است
 شبیخون به خورشید!
 خورشید را فتح خواهیم کرد
 فتح خورشید نزدیک است!
 چنگال نردبان های مان را
 به ستارگان می آویزیم
 راست به سوی خورشید بالا می رویم!
 جانباختگان
 در مبارزه جان باختند
 آنان در خورشید مدفونند
 وقت ماتم گرفتن نداریم!»

بحر قهر نوجوانان زود طوفان می کند
 سیل خون آخر بنای ظلم ویران می کند
 می درخشد آتش قهر جوان بر کاخ ظلم
 کاخ استبداد را با خاک یکسان می کند
 غول استبداد را خشم جوانان می شکند
 خاک اندر کاسه این کاسه لیسان می کند.

حالا از رفیق ... می خواهیم تا قطع نامه محفل را بخوانش بگیرند.

رفقا قبل از این که قطعنامه را خدمت تان تقدیم نمایم، سروده دست و پا شکسته‌ام را که در سوگ رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سروده‌ام، خدمت تان تقدیم می‌نمایم.

در سوگ رفیق ضیاء

در سوگ تو دستانم را به هم می‌بافم

تا طناب دار دشمنان اندیشه‌ات گردد

بعد از تو - شاید سال‌ها و سال‌ها

ابرهای بی‌باران و نازا، فضای این مگاک تیره را

تیره‌تر خواهد کرد

اما قطره‌ای از آب را، حلقوم خشک این صحرا نخواهد چشید.

اما شاید در روزگار پسین

غم اشک دوستان راستین

بذرهای اندیشه‌ات را

به لاله زار سرخی بدل گرداند

قطع نامه

و خلق زحمت‌کش افغانستان از سوی دیگر به تضاد عمده بدل گردید، جنگ مقاومت علیه اشغال‌گران سوسیال امپریالیست روز بروز شدت وحدت بیش‌تری یافت. سازمان‌های به اصطلاح چپ باز هم نتوانستند بر مشی راست روانه خویش تجدید نظر نمایند، بناءً در دام تسلیم طلبی طبقاتی باقی مانده تا این که تسلیم طلبی طبقاتی به تسلیم طلبی ملی تکامل منفی نمود. نیروهای مائوئیست کشور هرگز این درس تاریخی که تلخ‌ترین تجربه است به فراموشی نخواهند سپرد.

در چنین حالتی بود که رفیق ضیاء با الهام گیری از انقلاب

- مائوئیستی برآیند و به ایجاد حزب کمونیست افغانستان به پردازند و بین دشمنان عمده و غیر عمده فرقی قایل شوند و مبارزه علیه دشمن غیرعمده را در تابعیت از مبارزه با دشمن عمده به پیش برند، با طرحات خام و تخیلی خویش به سازمان سازی پرداخته و زیر نام‌های "مشی مستقل ملی" و "تیوری سه جهان" شعار "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" را بلند نمودند. طرح همین شعارها بود که وجوهات مشترک بین آن‌ها و احزاب جهادی بوجود آورد آن‌ها را به دنباله روان احزاب جهادی تبدیل نمود.

بعد از این که افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم "شوروی" اشغال گردید تضاد میان اشغال‌گران سوسیال امپریالیست و رژیم دست‌نشانده از یک‌سو

بعد از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی تضاد میان رژیم فاشیستی "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" و توده‌های ستم‌دیده کشور حاد گردید، امپریالیست‌ها تحت رهبری امپریالیزم امریکا از این وضعیت استفاده نموده احزاب جهادی را برگرداننده زحمت‌کشان کشور تحمیل نمودند. در چنین حالتی نیروهای انقلابی کشور از یک خط مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی برخوردار نبودند، همین علت سبب گردید که نتوانند شعار جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را مطرح نمایند.

جای این که این نیروها بدنبال یک خط مارکسیستی - لنینیستی

کبیر فرهنگی در چین، جنگ خلق در پیرو و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بخوبی توانست که تضادها را درک نموده و جایگاه شان را مشخص ساخته و علیه تسلیم طلبی ملی و طبقاتی به مبارزه برخیزد و با انشعاب بخش غرچستان "ساما" از خط راست روانه و تسلیم طلبانه "ساما"، خط و مشی کمونیستی را در افغانستان بنیان گذاری نماید.

رفیق ضیاء از زمان بنیان گذاری "هسته کمونیست های انقلابی افغانستان" تا آخرین لحظه حیاتش فقط به خاطر حفظ و پاکیزگی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم به مبارزه بی امان علیه انواع و اشکال رویزیونیزم، اپورتونیزم، تسلیمی و تسلیم طلبی پرداخت و بدرستی که توانست از این کوره مبارزاتی موفق و سر بلند بیرون آید.

رفیق ضیاء از دوران نوجوانی به رهایی خلق زحمت کش افغانستان می اندیشید، زمانی که به مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم (در آن وقت اندیشه مائوتسه دون) آشنا گردید، این اصول را در تمام شئون زندگی اش بکار بست. او مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم را بعنوان رهنمای اندیشه و عمل خود بکار بست. واز این دیدگاه علیه امپریالیسم، ارتجاع، انواع و اشکال رویزیونیزم، اپورتونیزم، اکونومیزم، رفرمیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی به مبارزه برخاست. همین مبارزات پی گیر و استوار او بود که توانست حزب کمونیست افغانستان یا بعبارت دیگر حزب پیش آهنگ

طبقه کارگر را بنیان گذاری نماید. برای اولین بار طبقه کارگر افغانستان از حزب پیش آهنگ خود بر خوردار گردید. یقیناً که این تکامل کیفی جنبش انقلابی افغانستان ثمره کار خستگی ناپذیر رفیق ضیاء است و افتخار تاریخی آن فقط و فقط متعلق به رفیق ضیاء است.

رفیق ضیاء بعد از اشغال کشور توسط امپریالیست های اشغال گر به رهبری امپریالیسم اشغال گر امریکا شعار وحدت همه مائوئیست های افغانستان را مطرح نمود. با پیش گامی رفیق ضیاء بزودی پروسه وحدت میان "حزب کمونیست افغانستان"، "سازمان پیکار برای نجات افغانستان" و "اتحاد انقلابی کارگران افغانستان" شروع گردید که بعد از طی دو نیم سال این پروسه منجر به ایجاد کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) افغانستان و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید، و رفیق ضیاء در کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) افغانستان به اتفاق آراء به صفت صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان انتخاب گردید و در کنگره دوم حزب نیز با اتفاق آراء در این سمت باقی ماند. او تا آخرین لحظه حیاتش بدرستی توانست که حزب را طبق اساس نامه حزب رهبری و رهنمایی نماید.

رفیق ضیاء همیشه به ما می آموخت که:

«حزب کمونیست واقعی فقط در جریان مبارزه و پیوند عمیق با توده ها و ایجاد پایگاه های نظامی بوجود می آید.»

او همیشه برای برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی می اندیشید و به رفاقت توصیه می نمود که هیچ گاه از توده ها

جدا نگرند. همین دید رفیق ضیاء سبب گردید که او مردم زحمت کش افغانستان را تنها نگذارد، در بدترین اوضاع و احوال و کمترین امکانات، زندگی فقیرانه را در میان توده های زحمت کش ترجیح دهد. او چهل سال دوران مبارزات حرفه ای اش را صرف مبارزه و انقلاب نمود. او در طول دوران مبارزاتی اش در میان توده های ستم دیده کشور زندگی اش را سپری نمود و هرگز در مبارزه احساس خستگی نکرد. او بالاخره در اثر کار توان فرسا در میان توده های زحمت کش افغانستان بدرود حیات گفت. ما به خط سرخ رفیق سوگند یاد می کنیم که تا آخرین لحظه حیات خط بنیان گذاری شده او را ادامه دهیم. و سوگند یاد می کنیم، همان طوری که رفیق ضیاء لحظه ای از مبارزه علیه رویزیونیزم پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی غافل نماند و آن را به وجه احسنی به پیش برد، ما هم شیوه کارش را دنبال خواهیم کرد.

ما بخوبی آگاهیم که اساس نامه و مانیفیست حزب کمونیست انقلابی امریکا (آر سی پی) نه دیکتاتوری پرولتاریا را قبول دارد و نه هم قیام سرتاسری علیه طبقات حاکمه را، و حتی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم را بعنوان یک ایدئولوژی قبول ندارد و آن را دور ریخته است. آر سی پی به این طریق رسماً ایدئولوژی زدایی را دامن می زند. و در اساس نامه اش اصلاً یک گرایش انسان دوستی غیر طبقاتی وجود

دارد که ناشی از این جماعات
بیانیه جدید آرسی پی است:

« به انقلابیون و کمونیست‌های
سراسر جهان! به تمام آنانی
که تشنه جهانی کاملاً متفاوت و
بسیار بهتر هستند! بیاید به هیچ
شکلی به گذشته پناه نبریم و پشت
آن سنگر نگیریم. بیاید با بصارت
بطرف هدف کمونیستی و رهایی
بشریت پیش رویم. »

رفیق ضیاء بطور دقیق و همه
جانبه این خط رویزیونیستی
پسا مارکسیستی - لنینیستی -
مائوئیستی را شکافته است.

« گذشته کدام است؟ از
لحاظ عینی موج اول انقلاب
پرولتری که گویا خاتمه یافته
است و از لحاظ ذهنی مارکسیزم
- لنینیزم - مائوئیزم که گویا
زمان آن بسر آمده و در
زمانه جدید یک چهارچوب
تیوریک نوین بجای آن لازم
است. این چهارچوب تیوریک
نوین همانا " کمونیزم " پست
مارکسیستی - لنینیستی -
مائوئیستی است که گویا بنام
" کمونیزم علمی " خوانده می
شود. به همین جهت است که
این بیانیه صراحتاً فراخوان می
دهد که:

« بیاید پیش‌آهنگ آینده
باشیم و نه بقایای گذشته. »

این است نتیجه‌گیری
و جواب نهایی بیانیه جدید آر
سی پی. اگر این پست
مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم
نیست، چه چیز دیگری
می‌تواند باشد؟ آیا نمی‌توان

این فراخوان را بطور مختصرتری به
صورت ذیل بیان کرد:

" بیاید بقایای مارکسیزم - لنینیزم -
مائوئیزم نباشیم، به هیچ شکلی به م ل م
پناه نبریم و پشت م ل م سنگر نگیریم؛
یعنی بیاید با گذشته مارکسیستی -
لنینیستی - مائوئیستی مان بطور کلی
و قطعی گسست نماییم. "

درین شکی وجود ندارد که ما باید
پیش‌آهنگ آینده باشیم، ولی هم
اکنون نیز این وظیفه و رسالت را به
دوش داریم. ما باید پیش‌آهنگ کنونی
و آینده باشیم و نه صرفاً پیش‌آهنگ
آینده. آیا آر سی پی فکر می‌کند که
ما در شرایط حاضر رسالت پیش‌آهنگ
شدن را بر دوش نداریم و فقط باید در
آینده این رسالت را بر عهده بگیریم؟
بلی، لحن کلام فراخوان واضحاً این
گفته را تأیید می‌نماید. وانگهی شما
چنانچه به هیچ وجهی نخواهید
گذشته‌تان را با خود داشته باشید،
چگونه خواهید توانست پیش‌آهنگ
حال و آینده باشید. یک موجود
بی‌پایه و بی‌ریشه در تاریخ مبارزاتی
تا کنونی پرولتاریای بین‌المللی چگونه
می‌خواهد و می‌تواند پیش‌آهنگ حال
و آینده گردد؟ اگر کمون پاریس را از ما
بگیرید، انقلاب اکتوبر را از ما بگیرید،
انقلاب چین را از ما بگیرید و انقلاب
فرهنگی چین را از ما بگیرید و در
نهایت مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم
را از ما بگیرید، برای ما چه باقی
می‌ماند که با پناه بردن به آن و پشت
آن سنگر گرفتن خواهیم پیش‌آهنگ
حال و آینده باشیم؟ پست مارکسیزم
- لنینیزم - مائوئیزم می‌خواهد تاریخ
پر افتخار این انقلابات و دروس عظیم
تاریخی آن‌ها را از ما بگیرد و رگ و
ریشه ما را بر اندازد.»

رفیق ضیاء رهبر خردمندی
بود که نه تنها علیه انحرافات
عمیق ایدئولوژیک - سیاسی
در داخل کشور، بل که در سطح
بین‌المللی و بخصوص رویزیونیزم
پسا مارکسیستی - لنینیستی -
مائوئیستی آواکیان و دنباله روانان
ایرانی‌اش بخوبی این مبارزه را پیش
برد. ما در چنین شرایطی
کمبودی رفیق ضیاء را بدرستی
درک می‌کنیم.

ما در شرایطی رفیق ضیاء را از دست
دادیم که موج تسلیمی و تسلیم
طلبی بطور عمده سر بلند نموده
و طالبان نیز از جنگ مقاومت
ارتجاعی علیه اشغال‌گران امریکایی
و متحدینش دست کشیده و به
اشغال‌گران امریکایی تسلیم شدند.

طالبان با امضاء " موافقت‌نامه
صلح " با امریکا بطرف تسلیم‌طلبی
پیش می‌روند و آن‌ها حتی از
خواست استقلال نیمه مستعمراتی
مانند دوره امانی نیز گذشتند، بل که
خواهان سلطه امپریالیزم، مشخصاً
سلطه امپریالیزم امریکا، مثل زمان
سلطه استعمار انگلیس در زمان
امیر عبدالرحمان خان، امیر حبیب‌الله
خان، امیر محمد یعقوب خان و
سایر امیران دست‌نشانده استعمار
انگلیس بر افغانستان می‌باشند.

ما بخوبی شاهدیم که بعد از امضاء
" موافقت‌نامه صلح بین طالبان و
امریکا " جای تقابل - تبانی طالبان با
اشغال‌گران امریکایی را تبانی - تقابل
گرفته است و طالبان تلاش
می‌ورزند که موافقت‌نامه
را مو به مو اجرا نمایند به همین
علت بعد از امضاء موافقت‌نامه تا
کنون هیچ‌گونه حمله نظامی بالای

نیروی‌های اشغال‌گر انجام ندادند. با آن هم دیده می‌شود که جنگ تحمیلی اشغال‌گرانه امپریالیستی بر کشور و مردمان کشور هم‌چنان ادامه دارد و از مردمان کشور قربانی می‌گیرد. جنگ میان طالبان و رژیم دست‌نشانده یک جنگ ارتجاعی است که یقیناً توأم با مداخلات آشکار و پنهان حامیان خارجی‌شان توأم با جنگ‌های استخباراتی ادامه خواهد یافت و ممکن است که سال‌ها هم دوام کند. با صراحت می‌توان گفت که در آینده نزدیک از ختم کامل جنگ و برقراری کامل صلح در کشور خبری

نخواهد بود. در چنین شرایطی از دست دادن رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بسیار سنگین و غیرقابل‌سنجش و ضایعه بزرگ برای اعضای حزب، خلق‌های ستم‌دیده کشور و کلیه مائوئیست‌های جهان و خلق‌های انقلابی منطقه بوده و می‌باشد.

غم و اندوه از دست دادن رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان زیاد است، اما ما باید طبق اطلاعیه "کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" این غم و اندوه را به نیروی مبارزاتی بدل نموده و قاطعانه وحدت و همبستگی حزب را حفظ نموده و اساس‌نامه

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در عمل کرده‌ای خویش دقیقاً بکار بندیم.

به پیش در راه برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

کمیته منطوقی شماره دوم

۲۰ سرطان ۱۳۹۹ خورشیدی

بله رفقا!

«ما در شرایطی رفیق ضیاء را از دست دادیم که موج تسلیمی و تسلیم طلبی بطور عمده سر بلند نموده و طالبان نیز از جنگ مقاومت ارتجاعی علیه اشغال‌گران امریکایی و متحدینش دست کشیده و به اشغال‌گران امریکایی تسلیم شدند.

طالبان با امضاء "موافقت‌نامه صلح" با امریکا ثابت ساختند که آن‌ها حتی خواستار استقلال نیمه مستعمراتی مانند دوره امانی نیستند، بل که خواهان سلطه امپریالیسم، مشخصاً سلطه امپریالیسم امریکا، مثل زمان سلطه استعمار انگلیس در زمان امیر عبدالرحمان خان، امیر حبیب‌الله خان، امیر محمد یعقوب خان و سایر امیران دست‌نشانده استعمار انگلیس بر افغانستان می‌باشند.

ما بخوبی شاهدیم که بعد از امضاء "موافقت‌نامه صلح بین طالبان و امریکا" جای تقابل - تباری طالبان با اشغال‌گران امریکایی را تباری - تقابل گرفته است و طالبان تلاش می‌ورزند که موافقت‌نامه را مو به مو اجرا نمایند به همین علت بعد از امضاء موافقت‌نامه تا کنون هیچ‌گونه حمله نظامی بالای نیروی‌های اشغال‌گر انجام ندادند. اما با آن هم جنگ تحمیلی اشغال‌گرانه امپریالیستی بر کشور و مردمان کشور با تمام تلفات و صدمات خود هم‌چنان ادامه دارد و از مردمان کشور قربانی می‌گیرد. جنگ میان طالبان و رژیم دست‌نشانده یک جنگ داخلی ارتجاعی است که یقیناً توأم با مداخلات پیدا و پنهان حامیان خارجی‌شان ادامه یافته و ممکن است که سال‌ها دوام کند. در آینده نزدیک باز هم از ختم کامل جنگ و برقراری کامل صلح در کشور خبری نخواهد بود. در چنین شرایطی از دست دادن رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بسیار سنگین و غیر سنجش و ضایعه بزرگ برای اعضای حزب، خلق‌های ستم‌دیده کشور و کلیه مائوئیست‌های جهان و خلق‌های انقلابی منطقه بوده و می‌باشد.»

من به نمایندگی از رفقا، از کمیته منطقه شماره دوم تشکر می‌کنم که چنین محفلی را به مناسبت در گذشت رفیق ضیاء ترتیب داده بودند.

با تشکر و سپاس از حضور گرم همه رفقا، ختم محفل را اعلام میدارم.

۳۰

متن سخنرانی رفیق ... (در سوگ رفیق ضیاء)

۳۳

متن سخنرانی رفیق ... در محفل یادبود زنده یاد رفیق ضیاء

۳۸

متن سخنرانی بانو داکتر ...

۴۰

در سوگ رفیق ضیاء

۴۰

قطعنامه

رفیق ضیاء در طول دوران رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، نخبی ثابت نمود که او یک رهبر عادی حزب نبود، بل که موجد واقعی آنست. او نه تنها با انحرافات عمیق ایدئولوژیک، سیاسی، تسلیمی و تسلیم طلبی در داخل افغانستان مبارزه نمود، بل که با انحرافات ایدئولوژیک سیاسی در جنبش انقلابی استرناسیونالیستی دست و پنجه نرم نمود. او اولین شخصیت انقلابی مائوئیستی است که علیه "سنترهای نوین" آواکیان استاد و رویزونیزم نهفته در دون "سنترهای نوین" را افشا نمود و از مارکسیزم، لنینیزم، مائوئیزم، دفاع برخواست و حزب را در این مسیر بدستی رهبری نمود. در آن موقع شاید عده ای زیادی از مائوئیست ها به زحمت حدس می زدند که نقشه آواکیان علاوه بر این که در جهان تخیلی است، در عین حال متضمن کارهای تبلیغی و وسیعی علیه مارکسیزم، لنینیزم، مائوئیزم است که توسط او طراحی گردیده تا پروتاریا را از حزب مارکسیستی، لنینیستی، مائوئیستی محروم ساخته و آن ها را به کام لیبرالیزم فروبرد.

رفیق ضیاء!

به حزب پیش آهنگ طبقه کارگر انقلابی که توسط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری شاتریم شده سوگند میدامی کنیم که این خط انقلابی (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) را تا آخر به پیش برده و وحدت حزب را همچون مردانک چشم خود حفظ نمایم.

وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

Www.cmpa.af

ایمیل آدرس شعله جاوید:

Sholajawid2@hotmail.com